

## بررسی رابطه بین تغییرات اجتماعی - فرهنگی و تغییرات میزان آسیب های اجتماعی در استان لرستان<sup>۱۸۷</sup>

پورغالی الهام<sup>۱۸۸</sup>

مهدوی نصر حمید<sup>۱۸۹</sup>

### چکیده

هنجارهای اجتماعی در طول تاریخ بشریت در معرض تغییر و تحول بوده است و در مورد جوامعی که صنعتی شدن و نوسازی اقتصادی را تجربه کرده اند تغییرات هنجارهای اجتماعی به موازات شروع روند فوق افزایش یافته است. استان لرستان در سال های اخیر به خاطر اجرای یک سری برنامه های توسعه شاهد تغییرات اجتماعی - فرهنگی بوده است. در زمینه امکانات ارتباطی، آموزشی، مهاجرت، شهرنشینی و ... تغییرات زیادی رخ داده است، در حالی که در زمینه توسعه اقتصادی (اشتغال) فعالیت های در خور صورت نگرفته است. این وضعیت ارزشهای سنتی را دستخوش تغییر نموده؛ بین این مسائل با آسیبهای اجتماعی مثل خودکشی، سرقت، قتل و غیره همبستگی وجود دارد. در دهه ۸۰ بر اساس آمار و اطلاعات معاونت اجتماعی ناجا استان، شاهد افزایش جرائم نسبت به سال های قبل هستیم. شناسایی عوامل جرمزا نخستین گام مبارزه با کجروی های اجتماعی است. هدف اصلی در این پژوهش بررسی رابطه بین تغییرات اجتماعی - فرهنگی و تغییرات میزان آسیب های اجتماعی در لرستان می باشد. در چارچوب نظری از تئوری های ساختار اجتماعی و نظرات جامعه شناسان همچون دورکیم، مرتن، پارک و برگس، شاو و مک کی و لوئیس ورث استفاده شده است. در تحقیق حاضر بر اساس روش های کمی (تحلیل ثانویه) از نرم افزار spss برای تحلیل داده ها و آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. در همین راستا شاخص های براساس اطلاعات و ارقام موجود در طول سال های اخیر برای سنجش تغییرات اجتماعی - فرهنگی تعریف و مشخص گردیده اند. این شاخص ها شامل جمعیت، شهرنشینی، مهاجرت، سواد، مکانهای مذهبی، طلاق، بیکاری و اشتغال است. برای جرائم نیز از خودکشی، قتل، سرقت، اعتیاد و در نهایت از آمار زندانیان به عنوان شاخص جرائم استفاده شده است. در بخش کیفی روش نمونه گیری قضاوتی یا تعمدی است و راهبرد پدیدارشناسی و مصاحبه عمیق با ۲۲ نفر از مجرمین در زندان خرم آباد بکار گرفته

<sup>۱۸۷</sup> توضیح اینکه مقاله حاضر از یک پروژه مطالعاتی که توسط محققین در استان لرستان با موضوع فوق انجام گرفته استخراج شده است.

<sup>۱۸۸</sup> کارشناس آسیب های اجتماعی پژوهشگر و دارای ۵ مقاله برتر در همایش های ملی و استانی

<sup>۱۸۹</sup> کارشناس آسیب های اجتماعی پژوهشگر و دارای بیش از ۱۲ مقاله برتر در همایش های ملی و استانی

شده است. یافته‌های بخش کمی نشان می‌دهد: بین تغییرات بیکاری، اشتغال، افزایش جمعیت، شهرنشینی، مهاجرت، طلاق و سواد با میزان جرائم در طی این ده سال همبستگی مشاهده شد. اما بین تعداد اماکن مذهبی و جرائم همبستگی مشاهده نشد. یافته‌های بخش کیفی نشان می‌دهد که از نگاه صاحب‌شوندگان تغییرات اجتماعی-فرهنگی باعث افزایش جرائم شده است. ارتباط با شهرها و شهرنشینی و رسوخ فرهنگ شهر به زندگی آنها باعث شده که مدام خود را با همدیگر مقایسه کنند. احساس نابرابری و محرومیت کم‌رنگ شدن اعتقادات و ارزش‌های اخلاقی و دینی آنها، بالا رفتن انتظارات و توقعات افراد، بیکاری و فقر عامل بسیاری از جرائم در این منطقه شده است. کلمات کلیدی: تغییرات اجتماعی - فرهنگی، جرم، تئوریهای ساختار اجتماعی، تحلیل ثانویه، پدیدار شناسی

#### مقدمه:

هنجارهای اجتماعی در طول تاریخ بشریت در معرض تغییر و تحول بوده است و در مورد جوامعی که صنعتی شدن و نوسازی اقتصادی را تجربه کرده‌اند تغییرات هنجارهای اجتماعی به موازات شروع روند فوق افزایش یافته است. استان لرستان در سال‌های اخیر به خاطر اجرای یک سری برنامه‌های توسعه شاهد تغییرات اجتماعی - فرهنگی بوده است. در زمینه امکانات ارتباطی، آموزشی، مهاجرت، شهرنشینی و ... تغییرات زیادی رخ داده است، در حالی که در زمینه توسعه اقتصادی (اشتغال) فعالیت‌ها در خور صورت نگرفته است. این وضعیت ارزشهای سنتی را دست‌خوش تغییر نموده؛ بین این مسائل با آسیبهای اجتماعی مثل خودکشی، سرقت، قتل و غیره همبستگی وجود دارد. در دهه ۸۰ بر اساس آمار و اطلاعات معاونت اجتماعی ناجا استان، شاهد افزایش جرائم نسبت به سال‌های قبل هستیم. شناسایی عوامل جرم‌زا نخستین گام مبارزه با کجروی‌های اجتماعی است. افزایش بی‌رویه جرایم و کجروی‌های اجتماعی امروزه به یکی از مشکلات حاد در بیشتر شهرها تبدیل شده است. به طور کلی کجروی‌های اجتماعی علاوه بر ایجاد احساس ناامنی و بدبینی لطمات سنگین روحی، جسمی و مالی بر دوش شهروندان می‌گذارد. مهمتر اینکه وقوع جرایم، تعقیب و مجازات مجرمین و مقابله با ناهنجاری‌ها مستلزم تشکیلات گسترده قضایی، انتظامی، امکانات وسیع و صرف هزینه‌های گزاف مالی برای دولت و به طور کلی بخش عمومی جامعه است. بی‌شک شناسایی عوامل جرم‌زا نخستین گام مبارزه با کجروی‌های اجتماعی است تا با از بین بردن این عوامل یا کاهش اثرات آن بتوان از بروز جرائم پیشگیری نمود و یا حداقل از میزان آن در

جامعه کاست. جامعه شناسانی مانند دورکیم و مرتون معتقدند در جوامعی که تغییرات اجتماعی سریع وجود دارد دچار آنومی می‌شوند و در نتیجه آن دارای آسیب‌های اجتماعی بیشتری هستند. دورکیم تشریح کرده است که در زمان‌های رکود اقتصادی ناگهانی و یا رشد سریع اقتصادی، آشفتگی اجتماعی و خودکشی رخ می‌دهد. در شرایط اجتماعی مستحکم و پایدار، آرزوهای انسانها از طریق هنجارها تنظیم و محدود شده است. با از هم پاشیدگی هنجارها و (لذا از بین رفتن آرزوها) «آنومی» یا یک وضعیت آرزوهای بی‌حد و حصر به وجود می‌آید. از آنجا که این آرزوهای بی‌حد و حصر طبعاً نمی‌توانند ارضاء شوند، در نتیجه یک وضعیت نارضایتی اجتماعی دائمی پدید می‌آید. دورکیم ثروتمندی ناگهانی در مقابل فقر را یک عامل بحران زا، و دلیل آن را در تغییرات شتابزده اجتماعی - اقتصادی می‌بیند که موجب از هم پاشیدگی هنجارهای سنتی، یعنی وضعیت سریع آنومی می‌گردد (به نقل از: رفیع پور، ۱۳۸۰: ۳۵). استان لرستان که در منطقه ای کوهستانی - نیمه کوهستانی واقع شده است، نظام اجتماعی آن مختصات یک جامعه روستایی - عشایری را دارد، نمونه‌ای شاخص از این تحولات شتابان اجتماعی است. شتاب تحولات، لاجرم، عوارض و پیامدهایی در زندگی روزمره مردم پدید آورده است و سطح انتظارات و توقعات فزاینده از یک طرف و امکانات محدود اقتصادی و محدودیت‌های اجتماعی از دیگر سو تعارضات و اختلافات عدیده‌ای را در کانون خانواده موجب گشته است. افزایش جمعیت و جوان بودن آن، مسائل و نیازهای جدیدی را می‌طلبد، به طوری که نسل جوان مسائل و تنگنهایی چون تحصیلات، اشتغال، مسکن، ازدواج را در پیش روی خود دارد و از طرف دیگر تغییر ارزشها و هنجارهای سنتی و تردیدها، تنشها و تعارضات اجتماعی رخ نموده است.

#### بیان مساله

مسئله اجتماعی الگوهای کنشی یا شرایط ساختاری ناگواری هستند که اکثریت یا بخشی از مردم در جریان کنش‌های اجتماعی خود به طور مستقیم یا غیرمستقیم آن را درک کرده و پیامدهای آن را احساس می‌کنند و خواهان دگرگونی یا فقدان آن الگوهای کنش و شرایط ساختاری هستند. کشور ما در سال‌های اخیر به خاطر اجرای یک سری برنامه‌های توسعه شاهد تغییرات اجتماعی - فرهنگی بوده است. به طوریکه به گفته شارع پور (۱۳۸۰) از بین رفتن هنجارهای غیر رسمی باعث شده است اهمیت زندگی از میان رفته و تمام امور و فعالیت‌ها یکنواخت گردد و رضایت از زندگی کاهش یابد. از طرف دیگر نهادهای جایگزین نیز برای تولید این هنجارها و روابط متقابل اجتماعی در شرایط جدید جامعه، ایجاد نشده است که این عامل برخی از پیامدهای اجتماعی از جمله افزایش جرم و جنایت، فقر، بزهکاری و به طور کلی آسیب‌های مختلف اجتماعی در جامعه شده است و وضعیت بحرانی خاصی را برای جامعه ایجاد کرده است. هزینه‌های فرهنگی تغییرات اجتماعی بیشتر در قالب تعارض‌های ارزشی،

شکاف‌های نسلی، عرفی‌شدن جوامع، توده‌ای شدن جوامع، بحران هویت، افول فرهنگ‌های بومی و محلی و جدال بین سنت و مدرنیته مورد توجه قرار گرفته‌اند. در این زمینه به نقش رسانه‌های گروهی و نظام-های آموزشی و تاثیرگذاری که آنها به روی ابعاد فرهنگی جوامع دارند، تاکید زیادی شده است. این توجه در قالب مباحثی چون صنعت فرهنگ و صنعت دانشگاه و در مکاتبی مانند مکتب فرانکفورت بحث‌های زیادی را به خود اختصاص داده است. به نظر کومار گسترش ارتباطات عمومی که در قرن بیستم بر حیات فرهنگی جوامع مدرن سایه افکنده است، یکنواختی و هم‌نوایی ناشی از جراید، رادیو و تلویزیون، ولو به طور منفعلانه و نه مستقیم، پلورالیسم و تنوعی را تهدید می‌کند که مایه مباهات جامعه لیبرال است. تمرکزگرایی فرهنگی و سیاسی و یکنواختی با همدیگر به منزله دلیل ایجاد یک جامعه توده‌ای تفسیر شدند (کومار، ۱۳۸۱: به نقل از نادمی، ۱۳۸۵: ۳). علاوه بر گسترش رسانه‌های گروهی عواملی چون شهرنشینی فزاینده، صنعتی‌شدن و نوسازی را به عنوان عاملی مؤثر در توده‌ای شدن جامعه می-شناسند. ازدیدگاه محافظه‌کاران فرهنگ توده‌ای مدرن خودجوش و اصیل نیست بلکه به واسطه تکنیک-های جدید تولید می‌شود و برای کسب سود به بازار مصرف‌کنندگان کالاهای فرهنگی عرضه می‌گردد. سرنوشت فرهنگ مدرن با تجارت سخت گره خورده است. دریافت‌کنندگان کالاهای فرهنگی از این دیدگاه، موجوداتی روی هم رفته منفعل، بی‌تمیز، مصرف‌کننده صرف، قابل القا و تلقین و زیر فشار رسانه‌های جمعی هستند (بشیریه، ۱۳۷۹: به نقل از نادمی، ۱۳۸۵: ۵). به نظر آرنوله فرهنگ توده‌ای همان آنارشی و هرج و مرجی است که در عصر تجدد پدیدار شده و به اساس اقتدار و سنت و نظم و حجیت آسیب رسانده است. آرنوله که از پیش‌تازان تحلیل فرهنگ توده‌ای در غرب بوده است، این فرهنگ را محصول روند دموکراتیزه شدن جهان می‌دانست. به نظر او دموکراسی توده‌ای و بویژه آمریکایی‌شدن فرهنگ موجب فروپاشی اقتدار و حجیت سنتی گردیده و اعتیاد به ابتذال را در همه جا پراکنده است (بشیریه، ۱۳۷۹: ۵۰). در مجموع پیامدهای فرهنگی تغییرات اجتماعی در بیشتر جوامع موجب ستیز و تعارضهای ارزشی در بین بخشهای گوناگون جامعه و نیز در بین اقوام، مذاهب و فرقه‌های گوناگون نیز شده است که در بیشتر موارد هزینه‌های سنگینی را به دنبال داشته‌اند. که با توجه به مسئله بودن موضوع به بررسی رابطه بین تغییرات اجتماعی- فرهنگی و تغییرات میزان آسیب‌های اجتماعی در استان لرستان می‌پردازیم.

## ۱-۲ ضرورت تحقیق

در زمان حاضر روزی نیست که یکی از روزنامه‌ها یا دیگر وسایل ارتباط جمعی از بحرانی جدید یا ادامه بحرانهای قبلی که اهمیت بین‌المللی دارد، در یک نقطه دورافتاده و ناشناس جهان گزارشی ارائه نکنند. صاحب‌نظران علوم اجتماعی درباره اینکه هیچ تغییر اجتماعی بدون هزینه نیست، توافق دارند، هرچند که نسبت به حجم، آهنگ، تداوم، تأثیرگذاری، چگونگی توزیع این هزینه‌ها و سرچشمه‌های آن اتفاق نظر

ندارند. افزایش استانداردهای زندگی، آموزش، بهداشت، بهبود تغذیه، کالا و خدمات، اوقات فراغت و غیره همراه با مشکلاتی بوده است به گونه‌ای که در مقیاس کلان، حیات اجتماعی و فرآیندگذار تاریخی جوامع با بحران‌ها و هزینه‌های گوناگون در سطوح و قالب‌های متعدد، توأم شده است (غفاری، ۱۳۸۸: ۳۳۷). یکی از این بحران‌ها کج رفتاری است، کج رفتاری تخلف عمدی از هنجارهای اجتماعی است. با مطالعه کج رفتاری درک بهتری از نظم اجتماعی به دست می‌آید و چگونگی سازمان یافتن الگوها و شیوه‌های زندگی کج رفتاران نیز مشخص می‌شود. کج رفتاری به عنوان یک پدیده اجتماعی حداقل از دو طریق عمده مورد مطالعه قرار گرفته است: الف) به عنوان واقعیتی عینی و ب) به عنوان مسأله‌ای ذهنی (صدیق سروستانی، ۱۳۸۳: ۱). شناسایی عوامل جرم زان نخستین گام مبارزه با کج روی‌های اجتماعی است تا با از بین بردن این عوامل یا کاهش اثرات آن بتوان از بروز جرایم پیشگیری نمود و یا حداقل از میزان آن در جامعه کاست. جرم نه تنها به قربانیان مستقیم آن صدمه وارد می‌کند بلکه سایر افراد جامعه نیز از آن متضرر می‌گردند. علاوه بر احساس ناامنی که برای سایر افراد جامعه از مشاهده وقوع جرائم حاصل می‌گردد، صدمات مستقیم‌تری نیز به آنها وارد می‌شود. توجه به این نکته نیز جالب است که جرم، بیشترین قربانیان مستقیم و غیرمستقیم خود را از میان افراد آسیب‌پذیر، چه از نظر جنسیت، چه از لحاظ سن و چه از نظر وضعیت مالی، برمی‌گزیند و بدین ترتیب دیگر نمی‌توان این فرضیه را که جرم در واقع انتقام‌گیری فقرا از ثروتمندان است، پذیرفت بلکه برعکس، بیشترین قربانیان جرائم را همان طبقات آسیب‌پذیر و از جمله فقیران تشکیل می‌دهند و پیشگیری از وقوع این پدیده بیش از همه می‌تواند به نفع همین طبقات باشد (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۲: ۱۵).

آمار جرائم صورت گرفته در استان لرستان در دهه ۸۰ حاکی از افزایش چشم‌گیر در نرخ جرائم می‌باشد. در شرایطی که با افزایش جرم روبه‌رو هستیم، نه تنها جامعه نیروهای مولد خود را از دست می‌دهد، بلکه باید به دلیل بیماری‌ها، معلولیت و آسیب‌های روانی - اجتماعی ناشی از این معضل، هزینه نگهداری و ارائه مراقبت‌های خاص را برای سال‌های طولانی بپذیرد. با توجه به نتایج حاصل از بررسی درجه توسعه-یافتگی مناطق روستایی (در سال ۱۳۶۵) استان‌های ۲۴ گانه کشور، رتبه توسعه یافتگی روستاهای استان لرستان ۱۸ می‌باشد (طالب و عنبری، ۱۳۸۴: ۲۸۹). این رتبه نشانگر وضعیت نامطلوب شاخص-های ۳۵ گانه (شاخص اقتصادی، جمعیتی و زیربنایی، بهداشتی و فرهنگی) استان مورد مطالعه می‌باشد. درجه توسعه‌یافتگی استان‌های ایران بر اساس شاخص‌های فرهنگی در سال ۱۳۷۸ از بین ۲۵ استان موجود کشور لرستان با رتبه ۲۳، به همراه استان‌های ایلام، کرمانشاه و سیستان و بلوچستان در گروه استان‌های «محروم از امکانات فرهنگی» قلمداد شده است (زیاری، ۱۳۷۹: ۴۸).

با توجه به افزایش نرخ جرایم در استان لرستان و با توجه به اینکه تا کنون تحقیقات چندانی در این خصوص انجام نگرفته است، به نظر می‌رسد که بررسی رابطه بین تغییرات اجتماعی - فرهنگی و افزایش آسیب های اجتماعی در استان از اهمیت زیادی در بررسی عوامل موثر بر افزایش جرایم برخوردار باشد.

### ۱-۳ سوالات تحقیق

سوال اصلی

آیا بین تغییرات اجتماعی - فرهنگی و تغییرات میزان آسیب های اجتماعی در استان لرستان همبستگی وجود دارد؟

سوالات فرعی

۱- آیا بین تغییرات جمعیت استان لرستان و میزان آسیب های اجتماعی در این استان همبستگی وجود دارد؟

۲- آیا بین تغییرات میزان اشتغال جمعیت فعال استان لرستان و تغییرات میزان آسیب های اجتماعی در این استان همبستگی وجود دارد؟

۳- آیا بین تغییرات میزان بیکاری جمعیت فعال استان لرستان و تغییرات میزان آسیب های اجتماعی در این استان همبستگی وجود دارد؟

۴- آیا بین میزان تحصیلات افراد در استان لرستان با تغییرات میزان آسیب های اجتماعی در این استان همبستگی وجود دارد؟

۵- آیا بین میزان اماکن دینی (تغییرات در تعداد اماکن دینی) استان لرستان و میزان آسیب های اجتماعی در این استان همبستگی وجود دارد؟

۶- آیا بین تغییرات در میزان طلاق در استان لرستان و تغییرات در میزان آسیب های اجتماعی در این استان همبستگی وجود دارد؟

۷- آیا بین تغییرات در میزان شهرنشینی در استان لرستان و تغییرات میزان آسیب های اجتماعی در این استان همبستگی وجود دارد؟

۸- آیا بین میزان مهاجرت به استان لرستان و تغییرات میزان آسیب های اجتماعی در این استان همبستگی وجود دارد؟

#### ۴-۱ اهداف تحقیق

با توجه به گستردگی موضوع، اهمیت و پر رنگ بودن نقش رویکردهای جامعه‌شناختی در تبیین جرم، کانون توجه را به نیروهای اجتماعی و فرهنگی که بیشترین فشار را بر برخی از خانواده‌ها، افراد و گروه‌های اجتماعی وارد می‌سازد، معطوف داشته و به بررسی برخی تغییرات اجتماعی و فرهنگی، نرخ و میزان آسیب‌های اجتماعی در استان لرستان پرداخته می‌شود.

در این راستا اهداف تحقیق به دو دسته کلی و جزئی تقسیم می‌شوند:

هدف کلی

بررسی رابطه بین تغییرات اجتماعی \_ فرهنگی و تغییرات در میزان آسیب‌های اجتماعی در استان لرستان

اهداف جزئی

- ۱- بررسی رابطه بین جمعیت استان لرستان و میزان آسیب‌های اجتماعی در استان لرستان
- ۲- بررسی رابطه بین تغییرات میزان اشتغال جمعیت فعال استان لرستان و تغییرات میزان آسیب‌های اجتماعی در استان لرستان
- ۳- بررسی رابطه بین تغییرات میزان بیکاری جمعیت فعال استان لرستان و تغییرات میزان آسیب‌های اجتماعی در استان لرستان
- ۴- بررسی رابطه بین میزان سواد در استان لرستان با تغییرات میزان آسیب‌های اجتماعی در استان لرستان
- ۵- بررسی رابطه بین میزان اماکن دینی (تغییرات در تعداد اماکن دینی) استان لرستان و میزان آسیب‌های اجتماعی در استان لرستان
- ۶- بررسی رابطه بین تغییرات در میزان طلاق در استان لرستان و تغییرات در میزان آسیب‌های اجتماعی در این استان لرستان
- ۷- بررسی رابطه بین تغییرات در میزان شهرنشینی در استان لرستان و تغییرات میزان آسیب‌های اجتماعی در استان لرستان
- ۸- بررسی رابطه بین میزان مهاجرت به استان لرستان و تغییرات میزان آسیب‌های اجتماعی در استان لرستان

دانشمندان علوم اجتماعی بر حسب حوزه های تخصصی خود(جامعه شناسی، اقتصاد، سیاست، جمعیت شناسی، مردم شناسی، تاریخ، روانشناسی اجتماعی و...) تعاریف مختلفی از تغییر اجتماعی ارائه داده‌اند. چنانکه در ادبیات جامعه‌شناسی شاهد تعاریف متعدد در مورد تغییر اجتماعی هستیم، جهت‌گیری‌های ایدئولوژیکی، پارادایمی و نظری و نیز سطوح تحلیلی انتخاب شده توسط هر یک از جامعه‌شناسان در ارائه تعاریف متفاوت بی‌اثر نبوده است. برای آشنایی با فضای مفهومی موضوع به برخی از تعاریف ارائه شده اشاره می‌کنیم.

ویلبرت<sup>۱۹۱</sup>، تغییر اجتماعی را تغییر در الگوهای رفتاری و فرهنگ که شامل هنجارها و ارزش‌ها می‌شود تعریف می‌کند (مور، ۱۳۸۱: ۳). به نظر گیدنز، تغییر اجتماعی تغییر در نهادهای اساسی جامعه در طی یک دوره معین است (گیدنز، ۱۳۷۷: ۶۸۲). تغییر اجتماعی عبارت است از تغییری قابل رویت در طول زمان به صورتی که موقتی و کم دوام نباشد و بر روی ساخت یا وظایف سازمان اجتماعی یک جامعه اثر گذارد و جریان تاریخ آن را دگرگون نماید (روشه، ۱۳۶۸: ۲۶). تغییر اجتماعی گاهی در کنار تطور اجتماعی و زمانی در مقابل آن به کار رفته است. در نگاه دوم رها کردن آن از دورنمای وسیع نظریه تطورگرایی و پرداختن به تغییرات قابل مشاهده و کوتاه مدت است. گی روشه، جامعه‌شناس فرانسوی در این باره می‌نویسد: دگرگونی اجتماعی بیشتر تغییرات قابل مشاهده و قابل بررسی در زمان کوتاه را شامل می‌شود، چنان که یک مشاهده‌گر می‌تواند در طول حیات یا حتی دوره کوتاهی از زندگی خویش نحوه‌ی رشد آن را ملاحظه کند و سیر یا فرجام آن را ببیند. اما تطور اجتماعی، مجموعه تغییراتی است که یک جامعه در طول یک دوره طولانی به خود می‌بیند، یعنی در دوره‌ای که از زندگی یک نسل یا حتی چند نسل فراتر می‌رود (توسلی، ۱۳۶۹: ۸۴). زتومکا<sup>۱۹۲</sup> عنوان می‌کند: اگر ما به تعاریفی که از تغییر اجتماعی در متون جامعه‌شناسی مطرح شده‌اند توجه کنیم، می‌بینیم که نویسندگان مختلف به طرح تعاریف متعددی پرداخته‌اند. اما بیشتر آن‌ها بر روی تغییر ساختاری<sup>۱۹۳</sup> و تغییر در روابط میان مولفه‌های اصلی جامعه تاکید دارند. وی به تعاریف برخی از نظریه‌پردازان اشاره دارد و می‌نویسد:

<sup>190</sup> . Social changes

<sup>191</sup> . Vilbert moor

<sup>192</sup> . sztopka

<sup>193</sup> . structural



مک یونیس<sup>۱۹۴</sup>، تغییر اجتماعی را تحول در سازمان جامعه و الگوهای اندیشه و رفتار در طی زمان می‌داند.

پرسل<sup>۱۹۵</sup>، تغییر اجتماعی را اصلاح یا تحول در جامعه به شیوه سازمان یافته تعریف می‌کند. به نظر ریتزر و همکاران، تغییر اجتماعی دلالت بر تغییر در روابط میان افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها، فرهنگها و جوامع در طی زمان دارد. به نظر فارلی<sup>۱۹۶</sup>، تغییرات اجتماعی با تغییر در الگوهای رفتار، روابط اجتماعی، نهادها و ساختارها در طی زمان مشخص می‌گردد (زتو مکا، ۱۹۹۳: ۶).

اسیتون واگو<sup>۱۹۷</sup>، بر مبنای نتایج حاصل شده از تغییر به تعریف تغییر اجتماعی می‌پردازد. به نظر او در انضمامی‌ترین معنا تغییر اجتماعی به این معناست که بخش وسیعی از افراد جامعه در فعالیت‌ها و روابط اجتماعی درگیر شوند که متفاوت با فعالیت‌ها و روابطی باشند که والدین آنها درگیر آن بوده‌اند (واگو، ۱۹۸۹: ۷).

با این تعریف، تغییر اجتماعی بسیار به مفهوم تفاوت یا تمایز نسلی<sup>۱۹۸</sup> که در جامعه‌شناسی نسلی از آن بحث می‌شود نزدیک می‌شود واگو علاوه بر تعریف فوق به ذکر تعاریف دیگر از تغییر اجتماعی که سایر متفکرین اجتماعی به کار برده‌اند اشاره می‌کند. به نظر او گروهی از جامعه‌شناسان به تغییر در ساختار جامعه اشاره دارند آنچه‌ان که گینسبرگ<sup>۱۹۹</sup> عنوان می‌کند: من تغییر اجتماعی را با تغییر در ساختار اجتماعی، برای نمونه تغییر در اندازه جامعه، ترکیب یا توازن بخش‌های یک جامعه و یا نوع سازمان‌های آن می‌فهمم. مثال‌های این نوع تغییر عبارتند از: محدود شدن اندازه خانواده (تبدیل خانواده گسترده به خانواده هسته‌ای)، درهم شکسته شدن اقتصاد محلی با ظهور شهرها، گذار از رسته‌های فتودالی به طبقات اجتماعی در جامعه سرمایه‌داری.

برخی نیز متعقدند که تغییر اجتماعی هم شامل تغییر در ساختار و هم تغییر در عملکرد<sup>۲۰۰</sup> جامعه می‌شود. دیویس<sup>۲۰۱</sup> معتقد است که تغییر اجتماعی در سازمان‌های اجتماعی کارکردهای جامعه اتفاق می‌افتد. جانسون<sup>۲۰۲</sup>، تغییر اجتماعی را تغییر در ساختار یک نظام اجتماعی می‌داند. مهمترین تغییرات

194 . macionice

195 . persel

196 . farley

197 . Steven vago

198 . Differentiation of generational

199 . ginsberg

200 . functioning

201 . davis

202 . janson

ساختاری آن‌هایی هستند که برای نظام پیامدهای عملکردی چون نیل به اهداف، افزایش کارایی و بقای نظام را دارند. گروهی از نویسندگان نیز تغییر اجتماعی را بر حسب تغییر در روابط اجتماعی<sup>۲۰۳</sup> تعریف می‌کنند. برای نمونه مک ایور<sup>۲۰۴</sup> و پیچ<sup>۲۰۵</sup>، تغییر اجتماعی را تغییر در شیوه‌هایی که موجودات انسانی را به یکدیگر پیوند می‌دهند، تعریف می‌کنند.

برخی از جامعه‌شناسان بر ترکیب تغییر در ساختار اجتماعی و روابط اجتماعی تاکید دارند. رونالد ادری<sup>۲۰۶</sup>، دو عنصر ساختار و روابط را با هم ترکیب می‌کند. به نظر او وقتی از تغییر صحبت می‌کنیم حداقل دو چیز مورد نظر است، یکی تغییر در ساخت هستی‌های اجتماعی<sup>۲۰۷</sup> در طی زمان و دیگری تغییر در روابط میان هستی‌های اجتماعی با نگاهی جامعه‌تر و وسیع‌تر.

رابرت نیزبت<sup>۲۰۸</sup>، تغییر اجتماعی را توالی تفاوت‌ها در طی زمان در چارچوب یک هویت پایدار تعریف می‌کند (واگو، ۱۹۸۹: ۸-۹).

به نظر واگو، مشکل مشترک تعاریف ارائه شده برای تغییر اجتماعی مساله شیء انگاری<sup>۲۰۹</sup> است، طراحان این تعاریف گرایش دارند انتزاع‌های مفهومی از واقعیت را با واقعیت محقق شده و عینی مقایسه و منطبق کنند. او رویکرد متفاوتی را پیشنهاد می‌کند که بر مبنای آن تغییر اجتماعی به عنوان فرایند تغییرات کمی یا کیفی با برنامه یا بدون برنامه در پدیده‌های اجتماعی تلقی می‌شود که مولفه‌های تحلیلی مرتبط با آن عبارتند از: هویت<sup>۲۱۰</sup>، سطح<sup>۲۱۱</sup>، مدت<sup>۲۱۲</sup>، جهت<sup>۲۱۳</sup>، وسعت<sup>۲۱۴</sup>، آهنگ تغییر<sup>۲۱۵</sup>.

هویت تغییر: به پدیده‌های اجتماعی خاصی چون کنش، رفتار، گرایش، الگوی تعامل، ساختار اقتدار، میزان تولید، الگوی رای دادن، منزلت و نظام قشربندی اجتماعی که دست‌خوش تغییر می‌شوند دلالت دارند.

سطح تغییر: به جایگاهی که تغییر به صورت خاصی در آن حادث می‌شود، چون سطح فردی، گروهی، سازمانی، نهادی و جامعه اطلاق می‌شود.

- 203 . Social relationships
- 204 . Mac iver
- 205 . page
- 206 . Ronald edari
- 207 . Social entities
- 208 . Robert nisbot
- 209 . Reification
- 210 . Identitiy
- 211 . Level
- 212 . Duration
- 213 . Direction
- 214 . Magnitude
- 215 . Rate

مدت تغییر: اشاره به این پرسش دارد که تغییر خاص پس از آنکه مورد قبول و پذیرش واقع شد تا چه مدتی دوام و پایداری دارد، آن ممکن است کوتاه مدت، میان مدت و یا بلند مدت باشد. جهت تغییر: را با مفاهیم پیشرفت، انحطاط یا سقوط بیان می کنند و یا آن را با الگوی خطی، چرخشی یا مرحله‌ای نشان می دهند. جهت تغییر بیان گر موقعیت و وضعیت آتی یک تغییر نسبت به موقعیت و وضعیت اولیه آن است.

وسعت تغییر: بر مبنای قلمرو و عمق تغییر اجتماعی مطرح می شود. در این زمینه رابرت دال<sup>۲۱۶</sup>، دانشمند علوم سیاسی برای اندازه گیری حجم و وسعت تغییر سیاسی یک مدل سه قسمتی را پیشنهاد نموده که بردارنده تغییر حاشیه‌ای<sup>۲۱۷</sup>، جامع<sup>۲۱۸</sup> و انقلابی<sup>۲۱۹</sup> است. تغییر حاشیه‌ای: تغییری است که هنجار یا رفتار خاصی را بسط، تقلیل و یا اصلاح می کند. در این نوع تغییر نماد و شکل هنجار و رفتار بدون اینکه در ماهیت یا ساختار آن هنجار و رفتار تغییری حاصل شود، تغییر می کند. این نوع تغییر از متداول ترین تغییرات در جامعه است. تغییر جامع: دلالت بر مجموعه و انباشتی از تغییرات حاشیه‌ای دارد که در هنجارها و رفتارهای تثبیت شده ایجاد تغییر می کند.

تغییر انقلابی: هنجارها و رفتارهای کاملاً جدید جایگزین هنجارها و رفتارهای قبلی می شوند. در این نوع تغییر، ماهیت و ساختار هنجارها و رفتارها تغییر می کنند. آهنگ تغییر: با مولفه مدت تغییر ارتباط پیدا می کند. معمولاً دلالت بر چگونگی شتاب و سرعت تغییرات به لحاظ کند بودن، سریع بودن، مداوم بودن، منظم یا نامنظم بودن تغییرات دارد (واگو، ۱۹۸۹: ۱۵-۹). با توجه به تعدد تعاریف مطرح شده کمتر می توان به تعریف واحدی از تغییر اجتماعی دست پیدا کرد با این وجود تغییر اجتماعی را بر مبنای تغییر در ساختار اجتماعی که مشتمل بر نهادها، سازمانها، گروههای اجتماعی، هنجارها و ارزشها و الگوهای رفتاری است، تعریف می کنیم.

### ویژگی‌های تغییر اجتماعی

ویژگی‌های عمده تغییر اجتماعی به عنوان نوعی فرآیند اجتماعی را می توان به صورت زیر مطرح نمود:

- تغییر اجتماعی یک پدیده جمعی است که بخش وسیعی از افراد جامعه را پوشش می دهد.
- تغییر اجتماعی ناشی از تعامل مجموعه‌ای از عوامل است.
- تغییر اجتماعی نوعی تغییر ساختی است که با تحقق آن عناصر بنیادی یک مجموعه دست‌خوش تغییر می شود.

216 . Robert dahl

217 . Marginal

218 . Comprehensive

219 . Revolutionary

- تغییر اجتماعی زمان مند و در طی زمان شناخته می شود.
- تغییر اجتماعی نوعی حرکت پیوسته و مداوم است.
- تغییر اجتماعی می تواند در صورت های مختلفی چون درون زاء، برون زاء، ترکیبی، با برنامه، بدون برنامه و... تحقق یابد.
- تحت تاثیر عوامل مختلف اجتماعی، فرهنگی و محیطی؛ آهنگ تغییر اجتماعی، تغییر می یابد. شاید بتوان ویژگی های خاص تغییر در زمان حاضر را در مجموعه ای از قوانین کلی خلاصه کرد: در هر جامعه یا فرهنگ، تغییر بکرات یا به صورت مدام رخ می دهد.
- تغییرات چه از نظر زمانی و چه از نظر مکانی اموری جدا و منفرد نیستند؛ به این معنا که در زنجیرهای منظم اتفاق می افتند و بحران هایی موقتی نیستند که بعد از یک دوره سازندگی بروز کنند. نتایج این تغییرات در تمام مناطق یا تقریبا در تمام جهان پدیدار می شود.
- از آنجا که احتمال وقوع تغییر در هر جا امکان پذیر است، نتیجه این تغییر هم در همه جا حائز اهمیت است، بنابراین تغییر مبنای دو جانبه دارد.
- میزان تغییر در حال حاضر بیشتر از زمان های گذشته است. خواه این تغییر برنامه ریزی شده باشد، یا نتیجه نوآوری های گذشته باشد.
- بنابراین دامنه فناوری و تدابیر اجتماعی به سرعت گسترش می یابد و به رغم کهنه شدن بعضی از شیوه ها تاثیر آنها بسیار فزاینده است (مور، ۱۳۸۱ : ۷).
- در دنیای امروز تغییر بر تجارب فردی و جنبه های کاربردی جوامع تاثیر زیادی گذاشته است. علت این تغییر همه جانبه آن نیست که این جوامع در همه زمینه ها به هم پیوسته اند، بلکه علت آن است که هیچ سطحی از سطوح زندگی از تاثیر این تغییر مستثنی نیست (همان).

#### انواع تغییر اجتماعی

در آثار مربوط به تغییر اجتماعی به تفکیک هایی در خصوص انواع تغییر اجتماعی بر می خوریم که برخی از آنها عبارتند از:

- تغییر اجتماعی درون زاء<sup>۲۲۰</sup>، برون زاء<sup>۲۲۱</sup> و ترکیبی<sup>۲۲۲</sup>

220 . Endogenous

221 . Exogenous

222 . mixed

این تفکیک بر مبنای علت‌هایی که موجب تغییر می‌شوند صورت گرفته است. اگر علت‌های تغییر در یک نظام اجتماعی داخلی باشند آن را تغییر درون‌زا گویند و برعکس، اگر علت‌های تغییر خارجی باشند آن را تغییر برون‌زا و در صورت وجود ترکیبی از علت‌های داخلی و خارجی آن را تغییر ترکیبی می‌نامند. تغییر اجتماعی با برنامه<sup>۲۲۳</sup> و بی‌برنامه<sup>۲۲۴</sup>

این نوع تفکیک بر مبنای وجود یا عدم وجود عنصر تعمد<sup>۲۲۵</sup> صورت گرفته است. تغییر اجتماعی با برنامه تغییری است که از طریق ساز و کارهای معین و مشخص و با اهداف از پیش تعیین شده صورت می‌گیرد، به عبارتی این نوع تغییر اجتماعی حاصل نوعی مهندسی اجتماعی است. برنامه‌های عمرانی و توسعه‌ای در صدد تحقق چنین تغییری هستند.

تغییر اجتماعی بی‌برنامه، تغییراتی هستند که در تحقق و بروز آنها تعمدی در کار نبوده است. این نوع تغییر به عنوان بخش ناخواسته و از کارکردهای پنهان تغییرات با برنامه هستند.

- تغییر اجتماعی روبنایی و تغییر اجتماعی زیربنایی

تغییر اجتماعی روبنایی نوعی اصلاح<sup>۲۲۶</sup> در جامعه است که بدون ایجاد تغییر در ماهیت و بنیاد ساختار اجتماعی و بخش‌هایی از جامعه تغییر می‌کنند. در تغییر زیربنایی، کل ساخت اجتماعی دگرگون می‌شود، الگو و صورت اجتماعی و فرهنگی جدیدی جایگزین الگو و صورت قبلی می‌شود. تغییر اجتماعی زیربنایی همان انقلاب اجتماعی است (غفاری، ۱۳۸۸: ۲۸).

### مفهوم فرهنگ

وقتی جامعه‌شناسان از فرهنگ سخن می‌گویند، مقصودشان آن دسته از جنبه‌های جوامع بشری است که آموخته می‌شوند، نه آن‌هایی که به صورت ژنتیکی به ارث می‌رسند. اعضای جامعه همه در این عناصر فرهنگ سهیم هستند و به همین دلیل امکان همکاری و ارتباط متقابل به وجود می‌آید. این عناصر فرهنگی متن و زمینه همگانی و مشترکی می‌دهند که افراد جامعه زندگی خود را در آن می‌گذرانند. فرهنگ یک جامعه هم شامل جنبه‌های نامحسوس - عقاید، اندیشه‌ها و ارزش‌هایی که محتوای فرهنگ را می‌سازد - و هم جنبه‌های ملموس و محسوس است - اشیاء، نمادها یا فناوری که باز نمود محتوای یاد شده است (گیدنز، ۱۳۸۶: ۳۵).

<sup>223</sup> . planned

<sup>224</sup> . unpianned

<sup>225</sup> . Deliberate

<sup>226</sup> . Reform

## ارزش ها و هنجارها

بنیان همه فرهنگ‌ها، تصورات و اندیشه‌هایی است که مشخص می‌کنند چه چیزی مهم، ارزشمند، مطلوب و پسندیده است. این تصورات انتزاعی، یا ارزشها<sup>۲۲۷</sup>، به آدمیان در تعامل با دنیای اجتماعی، معنا می‌دهند و آنها را هدایت می‌کنند. هنجارها<sup>۲۲۸</sup> قواعدی برای رفتارند که ارزش‌های یک فرهنگ را منعکس می‌کنند یا تجسم می‌بخشند. ارزش‌ها و هنجارها در کنار یکدیگر به چگونگی رفتار اعضای یک فرهنگ در محیط اجتماعی‌شان شکل می‌دهند (همان).

ارزشها و هنجارها تنوع بسیار وسیعی در فرهنگهای گوناگون دارند. برخی از فرهنگها ارزش بالایی به فردگرایی می‌دهند، در حالی که فرهنگهای دیگر ممکن است تاکید بیشتری روی نیازهای مشترک داشته باشند (گیدنز، ۱۳۸۹: ۳۶).

حتی در یک جامعه یا اجتماع واحد، ممکن است ارزشها در تناقض با هم باشند: برخی از گروهها یا افراد شاید به عقاید دینی سنتی ارزش و بها بدهند در حالی که ممکن است دیگران پیشرفت و علم را مطلوب بدانند. جایی که بعضی از مردم موفقیت و آسایش مادی را ترجیح می‌دهند، ممکن است دیگران طرفدار سادگی و زندگی آرام باشند. در عصر درحال تغییر ما که آکنده از حرکت‌های جهانی مردم، اندیشه‌ها، کالاها و اطلاعات است، شگفت‌آور نیست که با مواردی از تضاد و تعارض ارزش‌های فرهنگی روبه‌رو شویم (همان).

## ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی در حال تغییر

ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی غالباً در طول زمان تغییر می‌کنند. بسیاری از هنجارهایی که ما اکنون در زندگی شخصی خویش بدیهی می‌انگاریم - مثل روابط جنسی پیش از ازدواج و زوج‌هایی که بدون ازدواج با هم زندگی می‌کنند - حتی چند دهه قبل، با ارزشهای مورد اعتقاد همگان تناقض داشت. ارزش‌هایی که راهنمای روابط خصوصی و صمیمانه ما هستند به صورت تدریجی و طبیعی طی سال‌های متمادی دست‌خوش تحول شده‌اند. اما درباره مواردی که هنجارهای فرهنگی و رفتارها به شیوه عمده تغییر داده می‌شود، چه می‌توان گفت؟ در ژانویه سال ۲۰۰۰ یکی از هیئت‌های دولتی ژاپن گزارشی منتشر کرد که اهداف اصلی ژاپنرا برای قرن بیست و یکم ترسیم کرده بود. این هیئت از طرف نخست وزیر تشکیل شده بود و وظیفه داشت که برای مقابله با رکود اقتصادی، افزایش نرخ جرایم و رشد بیکاری، مسیر تازه‌ای برای ژاپن در دهه‌های آینده تدوین کند. یافته‌های اصلی این هیئت موجب شگفتی بسیاری از مردم شد:

227. Values

228. Norms

شهروندان ژاپنی باید دست از برخی ارزش‌های اصلی خود بردارند تا کشور بتواند با موفقیت با بیماری‌های اجتماعی فعلی خود مقابله کند. این هیئت به این نتیجه رسیده بود که فرهنگ ژاپنی ارزش بسیار زیادی به سازش و همنوایی و برابری می‌دهد، و بر همین مبنا پیشنهاد کرده بود که باید برای کاستن از «درجه مفرط همگونی و همشکلی» در جامعه، دست به عمل زد. این گزارش به برخی از جنبه‌های اساسی زندگی ژاپنی که نشانگر این همنوایی بودند، اشاره می‌کرد: تقریباً همه دانش‌آموزان دبستانی ژاپن لباس‌های آبی تیره متحدالشکلی می‌پوشند که نشانه‌های فردیت را می‌پوشاند و کارکنان و کارمندان عموماً تا دیر وقت در اداره می‌مانند حتی اگر نیازی به آن نباشد، زیرا قاعده ناگفته‌ای درباره زود ترک نکردن محل کار وجود دارد. نتیجه‌گیری هیئت مذکور این بود که این ارزش‌ها مانع از پذیرش اندیشه‌ها و مفاهیم مربوط به توانمندی فردی می‌شوند که در سال‌های آتی اهمیت حیاتی خواهد داشت (همان).

### تغییرات فرهنگی

ابتدا می‌باید بین تحول و تغییر اجتماعی تفاوت قائل شویم. معمولاً تحول اجتماعی را مجموعه‌ای از تغییرات می‌دانند که در طول یک دوره طولانی طی یک و یا چند نسل در یک جامعه رخ می‌دهد. اما تغییر اجتماعی برعکس، عبارت است از پدیده‌های قابل رویت و قابل بررسی در مدت زمان کوتاه به صورتی که هر شخص معمولی نیز در طول زندگی خود یا در طول دوره کوتاهی از زندگی‌اش می‌تواند یک تغییر را شخصاً تعقیب نماید نتیجه قطعی‌اش را ببیند و یا نتیجه موقتی آن را دریابد (گی - روشه، ۱۳۷۲: ۲۰).

به نظر اینگلهارت: فرهنگ نظامی است از نگرش‌ها، ارزش‌ها و دانشی که به طرز گسترده‌ای در میان مردم مشترک است و از نسلی به نسلی دیگر منتقل می‌شود. در حالی که طبیعت انسانی از لحاظ زیست‌شناختی، فطری و عمومی است، فرهنگ فرا گرفته می‌شود و ممکن است از یک جامعه به جامعه دیگر متفاوت باشد (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۱۹).

دگرگونی فرهنگی تدریجی است و بازتاب دگرگونی از تجربه‌های سازنده‌ای است که به نسل‌های مختلف شکل داده است. از این رو ارزش‌ها و هنجارهای سنتی در میان نسل‌های گذشته کاملاً گسترده است در حالی که گرایش‌های جدید تا حد زیادی در میان نسل‌های جوان‌تر نفوذ داشته، با جانشین شدن نسل‌های جوان‌تر به جای نسل‌های بزرگ‌تر جهان‌بینی متداول در این جوامع نیز دگرگون شده است بنابراین دامنه پیامدها گسترده است. همچنین دگرگونی فرهنگی آهنگ رشد جمعیت، ساختار خانواده و میزان حضور در کلیسا را تغییر داده است (همان).

در ادبیات جامعه‌شناسی دهه‌های اخیر مسئله تغییرات فرهنگی به عنوان یکی از عمده‌ترین پدیده‌های جامعه جدید از طرف بسیاری از متفکران مطرح شده است ادعای اصلی این است در چند دهه گذشته جوامع پیشرفته صنعتی به علت پیشرفت‌های اقتصادی‌ای که در آن صورت گرفته، در مسیر تازه‌ای افتاده‌اند که می‌شود آن را پسانوسازی نامید. با پسانوسازی بینش تازه جایگزین بینشی می‌شود که از انقلاب صنعتی به بعد در جوامع غربی حکمفرما بوده است که در انتظارات مردم از زندگی روی داده است و می‌رود هنجارهای بنیادین حاکم بر سیاست، کار، مذهب، خانواده و رفتارهای جنسی را دگرگون سازد. جوامع دارای ارزش‌ها، نگرش‌ها و عادت‌های متفاوت و نسبتاً پایداری هستند که این عادت‌ها ثابت و غیرقابل تغییر نیستند. در حالی که ارزش‌ها و نگرش‌های سنتی میان نسل‌های پیشین جوامع رواج دارد، نسل‌های جدیدتر دارای ارزش‌های متفاوتی هستند. با جانشین شدن نسل‌های جوان‌تر به جای افراد نسل‌های گذشته، جهان‌بینی متداول در جوامع دگرگون می‌شود (اینگلهارت، ۱۳۷۳). موضوع تغییر نگرش‌ها و ارزش‌های ایرانیان به ویژه جوانان، در بسیاری از تحقیقات اجتماعی به صراحت بیان شده است (عبداللهیان، ۱۳۸۳؛ احمدنیا و مهریار، ۱۳۸۳ و آزاد و دیگران، ۱۳۷۹). تا جای که عبداللهیان معتقد است « ارزش‌های فرهنگی ایرانیان یا در حال شکل‌گیری و یا در حال بازتولید هستند» (عبداللهیان، ۱۳۸۳).

رونالد اینگلهارت به دنبال این مطلب است که ماهیت دگرگونی‌های فرهنگی و علت‌ها و پیامدهایشان چه می‌باشد. او تحقیقات خودش را از سال ۱۹۷۰ در جوامع پیشرفته صنعتی شروع کرد و این کار به انتشار کتابی به نام انقلاب آرام<sup>۲۲۹</sup> انجامید. بعد از آن، او تحقیقاتش را با شواهد و داده‌های بسیار زیادی ادامه داد به طوری که توانست نظریاتش را در این رابطه کامل کند، چنانکه خودش بیان می‌دارد: «در ابتدا توجه ما معطوف به گذار از ارزش‌های مادی به فرامادی بود. ما این دگرگونی را در اینجا هم می‌یابیم؛ لیکن با ظهور الگوهای متفاوت سیاسی و اقتصادی، مشخص می‌گردد که این تنها یک جنبه از نشانگان بسیار گسترده‌تر دگرگونی فرهنگی از جمله زوال گرایش‌های مذهبی، سنتی و هنجارهای اجتماعی و جنسی و متعارف است» (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۳۷۷).

اینگلهارت به عنوان یک جامعه‌شناس برای تبیین تحولات فرهنگی، دغدغه‌های جامعه‌شناسان را داشته است و آن اینکه دگرگونی‌های اجتماعی را بر اساس کدام یک از رویکردهای معاصر و موجود می‌توان تبیین کرد. او بیش از اینکه دغدغه سازماندهی به حوزه نظری جامعه‌شناسی را داشته باشد، مسئول بررسی‌های اجتماعی و پاسخ‌دهی به سوالاتی است که در تحقیقات تجربی انتخاب شده است. به نظر می‌آید او در آغاز به عنوان محقق به بررسی‌های نوسان‌سنج اروپا که از ۱۹۷۰ شروع شده بود پرداخت. او همچنین به بررسی ارزش‌های جهانی در بیست و پنج کشور جهان که در سال ۱۹۸۱-۲ صورت گرفته و

<sup>229</sup>. The silent revolution



کارهای مشابه دیگری دست زده است. اینگلهارت در روند حضور و همکاری با آنها سوالات اصلی و اساسی تحقیق را با دقت بیشتری دنبال کرده است. با توضیح فوق می‌توان اینگلهارت را بیش از این که نظریه‌پرداز بدانیم یک جامعه‌شناس با جهت‌گیری تحقیق دانسته که پس از ورود به حوزه تحقیق در پی دستیابی به چارچوب نظری هم هست (ارمکی، ۱۳۷۹).

#### آغاز نظریه‌پردازی اینگلهارت

اینگلهارت کار خودش را با نقد نظریه نوسازی آغاز می‌کند:

«دگرگونی‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی هماهنگ با همدیگر بر اساس الگوهای منسجم پیش می‌روند و جهان را به شیوه‌ای قابل پیش‌بینی دگرگون می‌سازند. این دعوی اصلی نوسازی، از کارل مارکس گرفته تا ماکس وبر، تا دانیل بل است.»

او معتقد است که هرچند نمی‌توانیم با توجه به شرایط زمانی و مکانی نوع دگرگونی را به دقت پیش‌بینی کنیم، ولی می‌توان یک طرح کلی از بعضی روندهای عمده به دست داد چنانکه می‌گوید: «ما قول اینگونه پیش‌گویی‌ها را نمی‌دهیم؛ هیچ کس نمی‌تواند سیر دگرگونی اجتماعی را دقیقاً پیش‌بینی کند. با این همه بعضی از نشانه‌های دگرگونی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به صورت جریان‌های منسجم و موازی ظاهر می‌شوند و البته بعضی از جریان‌ها محتمل‌تر از دیگرانند. در درازمدت وقتی جریان‌های مشخصی در جوامع گوناگون ظاهر شوند، احتمال ظهور دگرگونی‌های مهم مشخصی نیز قوت می‌گیرد (Inglehart, 1977: 1).

اینگلهارت به اهمیت فرهنگ نسبت به امور اقتصادی در بررسی‌هایش بیشتر تاکید نموده است. ریشه رویکرد او در مورد فرهنگ و تغییرات فرهنگی در آرای ماکس وبر و جامعه‌شناسی نظری وبری است؛ برای همین در نظریاتش بیش از همه اندیشمندان به آراء و نظریات وبر استناد می‌کند به ویژه در کتاب خود به نام «تحول فرهنگی در کشورهای پیشرفته صنعتی».

او با همه تأکیدی که نسبت به فرهنگ دارد، هم جبرگرایی اقتصادی مارکس را طرد می‌کند و هم جبرگرایی فرهنگی وبر را؛ چنانکه بیان می‌کند: «نظریه پیشنهادی ما، طرح بازسازی شده نظریه نوسازی است ما با این دعوی اصلی نظریه‌پردازان نوسازی موافقیم که بین توسعه اقتصادی و دگرگونی فرهنگی و سیاسی ارتباط نزدیک وجود دارد. با این وجود این ارتباط تا اندازه‌ای قابل پیش‌بینی است. ولی بعضی از شیوه‌های دگرگونی محتمل‌تر هستند. زیرا منظومه‌های خاصی از ارزش‌ها و باورها و نهادهای سیاسی و اقتصادی یکدیگر را تقویت می‌کنند، در حالی که در موارد دیگر چنین نیست. بدینسان اگر یکی از عناصر جامعه بر ما معلوم باشد می‌توانیم با دقت بسیار بیش از یک سنجش تصادفی، درباره سایر اعضای آن جامعه دست به پیش‌بینی بزنیم» (Inglehart, 1977: 7).

اینگلهارت هرچند با مارکس و وبر در این امر که دگرگونی در مسیر قابل انتظار به جلو می‌رود موافق هست، در نهایت بیان می‌کند که در چهار مورد با این نظریه پردازان نوسازی هم‌جهت نیست: دگرگونی در مسیر خطی یعنی بی‌وقفه و تا ابد در یک سو ادامه نمی‌یابد، بلکه عاقبت روزی به نقطه‌های بازده نزولی می‌رسد، چنانکه در طی دو دهه گذشته سمت و سوی تحولات تغییر کرده است. روایت‌های پیشین نظریه نوسازی بر موجبیت- باوری استوار بود؛ روایت مارکس مبتنی بر موجبیت اقتصادی و روایت ماکس وبر متمایل بر موجبیت فرهنگی است. ما معتقدیم رابط بین اقتصاد، فرهنگ و سیاست به گونه‌ای است که یکدیگر را متقابلاً تقویت می‌کنند. ما با دیدگاه قوم‌مدارانه کسانی که نوسازی را با غربی شدن برابر می‌دانند موافق نیستیم. در یک دوره تاریخی نوسازی متمرکز در غرب بود، امروز نوسازی آشکار فرآیندی جهانی است که از بعضی جهات، آسیای خاوری رهبری آن را به عهده دارد. و در نهایت اینگلهارت بیان می‌دارد که با این نظر نظریه‌پردازان نوسازی موافق نیستیم که دمکراسی از عناصر ذاتی نوسازی است.

#### مدل تحلیل اینگلهارت از دگرگونی فرهنگی

اینگلهارت در مدل تحلیلی که ارائه می‌کند هم به ماهیت دگرگونی و هم به علت‌ها و هم به پیامدهای آن توجه ویژه‌ای مبذول می‌دارد. در مدل تحلیلی‌اش، اینگلهارت به تغییر فرهنگی در سطوح متعدد توجه کرده است. «این کتاب دگرگونی فرهنگی را از جنبه‌های گوناگون تحلیل می‌کند و از آنجا که به تاثیر دگرگونی‌های اقتصادی و سیاسی- اجتماعی بر فرهنگ و تاثیر فرهنگ بر اقتصاد، جامعه و سیاست می‌پردازد، از سطح سیستم به سطح فرد حرکت و دوباره به سطح سیستم بر می‌گردد (Inglehart, 1977: ) با توجه به چارچوب نظری اینگلهارت نگاه تک‌عاملی به تغییرات فرهنگی آن هم در سطح دگرگونی ارزش‌ها نمی‌تواند دگرگونی‌های جامعه جدید را تبیین کند، بلکه باید در تبیین دگرگونی‌های فرهنگی عوامل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را با هم لحاظ کرد؛ هرچند که این عوامل با توجه به نوع جامعه، زمان و مکان می‌توانند تاثیرات کم و بیش متفاوتی داشته باشد.

#### تغییر اجتماعی و تحول اجتماعی

تغییر اجتماعی در قیاس با تحول اجتماعی<sup>230</sup> به خصوص از حیث زمانی محدودتر می‌باشد. چنان که عنوان شده تحول اجتماعی را مجموعه‌ای از تغییرات می‌دانند که در طول یک دوره طولانی و طی یک و یا شاید چند نسل در یک جامعه رخ می‌دهد (روشه، ۱۳۶۸: ۲۰). جامعه‌شناسان کلاسیک که واحد تحلیل

230. socialtransformation

آن‌ها جوامع بشری یا بشریت بود و کمتر با جامعه خاصی سروکار داشتند و برخوردار از دیدگاهی کلان نگر بودند، بیشتر به تحول اجتماعی توجه داشتند تا تغییر اجتماعی.

### تغییر اجتماعی و تغییر فرهنگی<sup>۲۳۱</sup>

اگر چه مفاهیم جامعه و فرهنگ معمولاً به جای یکدیگر مورد استفاده قرار می‌گیرند، لیکن این دو مفهوم نسبت به یکدیگر تفاوت‌هایی دارند. جامعه متشکل از مجموعه‌ای افراد است که از یک اسلوب معین پیروی می‌کنند و در نتیجه جامعه برخوردار از نوعی ساختار اجتماعی است. اما فرهنگ دلالت بر شیوه زندگی افراد جامعه دارد. به عبارتی، فرهنگ راه و روش زندگی است که افراد یک جامعه همه با هم آن را فرا گرفته‌اند و در پیروی از آن سهیم و شریک هستند. این راه و روش از طریق ارتباط با ابزار، فنون، نهادهای اجتماعی، طرز تلقی‌ها، عقاید، انگیزه‌ها و نظام ارزشی مورد قبول مردم حاصل گردیده است. مفاهیم جامعه و فرهنگ تا آن اندازه به هم بسته و مربوط است که صحبت از یکی بدون در نظر داشتن دیگری مقدور نیست (فاستر، ۱۳۷۸: به نقل از غفاری، ۱۳۸۸: ۳۰). مفهوم فرهنگ به دانش و معرفتی که اعضا یک جامعه به صورت مشترک از آن برخوردارند اشاره دارند. فرهنگ به اعضا جامعه احساس هویت، تعلق و این که چگونه باید رفتار کنند و آنچه که باید انجام دهند را می‌دهد. به عنوان یک کلیت قابل تحلیل فرهنگ تشکیل شده از: شناخت مشترک یک جامعه نسبت به هنجارها، نمادها، فناوری، نقش‌ها، عقاید، ارزش‌ها و ساختار اجتماعی که شامل نهادهایی چون خانواده و مذهب می‌شود (واگو، ۱۹۸۹: به نقل از غفاری، ۱۳۸۸: ۱۹۸۹: ۳۱). پیوستگی و ارتباط دو مفهوم جامعه و فرهنگ موجب شده که تحقق تغییر در هر یک از آنها موجب تغییر در دیگری شود تا جایی که تفکیک تغییر اجتماعی و تغییر فرهنگی نمی‌تواند به آسانی صورت بگیرد. اصطلاح تغییر فرهنگی را بنابر ماهیتی که دارد می‌توان به تغییر فرهنگ در طول زمان تعریف کرد. عبارت تغییر فرهنگی را بیش از همه انسان‌شناسان آمریکایی به کار برده‌اند، در عوض جامعه‌شناسان و روانشناسان اجتماعی به تغییر اجتماعی توجه دارند. امروزه بسیاری از انسان‌شناسان و جامعه‌شناسان توأمان از تغییر اجتماعی و تغییر فرهنگی سخن می‌گویند و گاهی اوقات نیز از عبارت تغییر اجتماعی - فرهنگی استفاده می‌کنند. باید توجه داشت که فرهنگ‌پذیری را باید از تغییر فرهنگی، اصطلاحی که به ویژه از سوی انسان‌شناسان انگلیسی به کار می‌رود متمایز دانست. چون تغییر فرهنگی، تنها یک وجه از فرهنگ‌پذیری است. درحقیقت تغییر فرهنگی می‌تواند از علل درونی نیز ناشی گردد (کوش، ۱۳۸۱: ۹۲). درمجموع تغییراتی که در حوزه‌ی معرفت صورت می‌گیرند را تغییرات فرهنگی می‌گویند و تغییراتی که در حوزه‌ی ساختارهای اجتماعی و جمعیتی صورت می‌گیرند را تغییرات اجتماعی می‌نامند. تغییر فرهنگی را به معنی دگرگونی‌های جامعه در پدیده‌های فرهنگی نظیر:

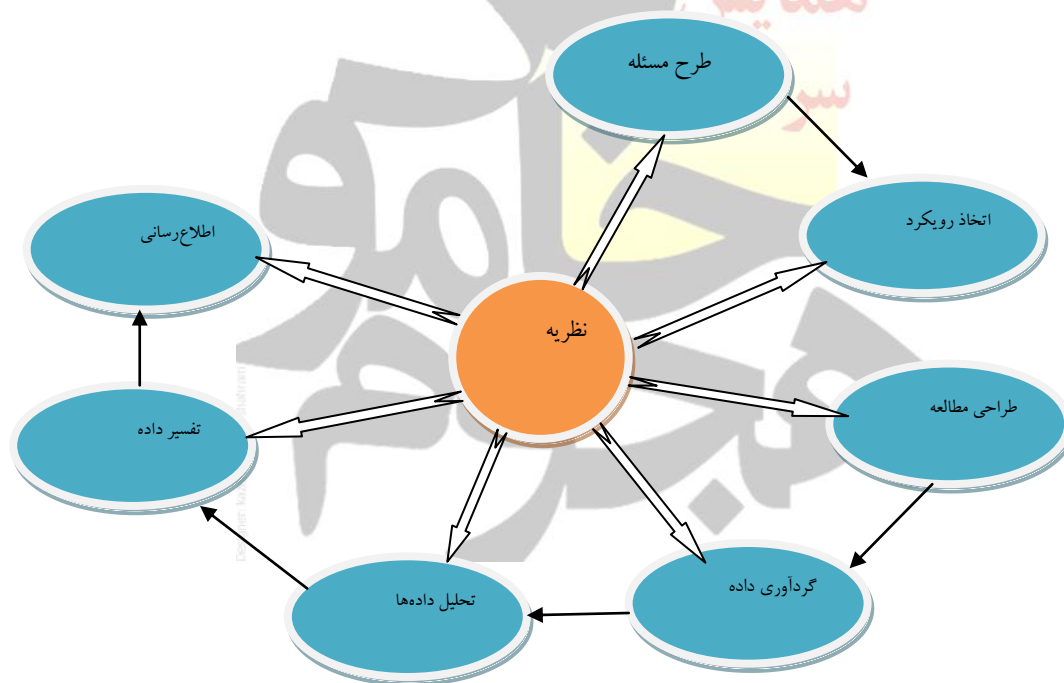
231. Culturalchange

معرفت و دانش، آراء و عقاید، هنرها، آیین‌های دینی و اخلاقی و غیره که بار معنایی و خصلت نمادی دارند دانسته‌اند. با این وجود تغییرات اجتماعی و فرهنگی در غالب موارد ارتباط نزدیکی با هم دارند. تغییر فرهنگی نسبت به تغییر اجتماعی از گستردگی بیشتر و از آهنگ کندتری برخوردار است.

### روش تحقیق

در این تحقیق از هر دو نوع روش‌های کمی و کیفی و به طور همزمان استفاده شده است. یعنی قسمتی از کار با روش کمی مورد بررسی قرار گرفته و قسمت دیگر کار با روش کیفی مورد پدیدارشناسی بررسی شده است. چرا که به اعتقاد استراوس و کوربین روش‌های کمی و کیفی را می‌توان به طور مؤثر در یک پروژه به کار گرفت (استراوس و کوربین، ۱۳۸۵: ۱۸).

جامعه‌شناسی به عنوان یک رشته علمی، از این جهت از این روش استفاده می‌کند که در پی یافتن قاعده کلی رفتار اجتماعی است تا توانایی کنترل و پیش‌بینی حوادث را بیابد و با به کار بردن تجربه علمی، به کشف روابط میان پدیده‌ها، یعنی قانون، نایل آید. همچنین به توصیف پدیده‌ها اکتفا نکرده، و به تبیین علمی هم می‌پردازد (ساروخانی، ۱۳۸۳). نمودار (۲-۳) روش‌شناسی تحقیق



از آنجا که برای انجام مطالعات جامعه‌شناختی، روانشناختی و مدیریتی امروزه روش‌های متفاوتی ابداع و بوجود آمده است و به اقتضای موضوع و ماهیت تحقیق از شیوه‌های مناسب استفاده می‌شود، در انجام این تحقیق مناسب‌ترین شیوه و همچنین پردامنه‌دارترین و استانداردترین شیوه‌های متداول به کار گرفته

می‌شود. در اینجا ابتدا به روش اسنادی و کتابخانه‌ای به مطالعه و مروری بر متون نظری و مطالعات پیشین پرداخته می‌شود و در ادامه برای گردآوری داده‌ها و اطلاعات از داده‌های سرشماری، سالنامه‌ها و آمارهای سازمان‌های مربوطه جمع‌آوری می‌شود و از روش تحلیل ثانویه داده‌ها استفاده می‌شود.

### یافته‌های تحقیق :

در این پژوهش بر آن بودیم که رابطه بین تغییرات اجتماعی \_ فرهنگی و تغییرات میزان آسیب‌های اجتماعی را در استان لرستان مورد بررسی قرار دهیم. در استان لرستان آمار جرائم صورت گرفته در دهه ۸۰ حاکی از افزایش چشم‌گیر در نرخ جرائم نسبت به سال‌های قبل می‌باشد. با توجه به گستردگی موضوع و اهمیت و پررنگ بودن نقش رویکردهای جامعه-شناختی در تبیین جرم، کانون توجه را به نیروهای اجتماعی و فرهنگی که به نظر می‌رسد بیشترین فشار را بر برخی از خانواده‌ها، افراد و گروه‌های اجتماعی وارد می‌سازد، معطوف داشته و به بررسی برخی تغییرات اجتماعی \_ فرهنگی و میزان آسیب‌های اجتماعی در استان لرستان پرداخته می‌شود. در ابتدا به یافته‌های بخش کمی می‌پردازیم و برای این کار از سوالاتی که در این پژوهش مطرح شده است آغاز می‌کنیم و سعی می‌کنیم بر اساس یافته‌های پژوهش به این سوالات پاسخ دهیم.

آیا بین تغییرات جمعیت استان لرستان و میزان آسیب‌های اجتماعی در این استان رابطه معناداری وجود دارد؟

آیا بین تغییرات در میزان شهرنشینی در استان لرستان و تغییرات میزان آسیب‌های اجتماعی در این استان رابطه معناداری وجود دارد؟

با توجه به ارتباط نزدیک دو متغیر جمعیت و شهرنشینی سعی می‌کنیم که این دو سوال را با هم مورد بررسی و تحلیل قرار دهیم. بر اساس یافته‌های تحقیق بین دو متغیر جمعیت و میزان آسیب‌های اجتماعی در استان لرستان همبستگی وجود دارد و با افزایش جمعیت میزان آسیب‌های اجتماعی نیز افزایش پیدا کرده است. از طرفی یافته‌های پژوهش همبستگی مثبت و مستقیمی را نیز در سال‌های اخیر بین شهرنشینی و میزان جرائم نشان می‌دهد. در سال ۷۵ جمعیت لرستان ۱۵۸۴۴۳۴ میلیون نفر و سال ۸۵ به ۱۷۱۶۵۲۷ میلیون نفر رسیده است و این در حالی است که از این جمعیت در سال ۷۵ حدود ۵۰ درصد از این جمعیت در روستاها متمرکز شده بود اما در سال ۱۳۸۵ با وجود افزایش جمعیت، این تناسب به هم می‌خورد و نزدیک به ۶۰ درصد از این جمعیت در شهر ساکن می‌شوند. با توجه دیدگاه ورث افزایش جمعیت و ارتباط فیزیکی رو به تزاید که همان تراکم جمعیت می‌باشد، نهایتاً موجب کاهش

تماس‌های اجتماعی و افزایش برخوردها و تنش‌های اجتماعی می‌گردد. در روستاها روابط به صورت چهره به چهره بوده است و اکنون که جمعیت شهری گسترش یافته و جمعیت روستایی کم شد، یکی از عوامل افزایش جرم می‌باشد. تراکم جمعیت از دیدگاه ورث عامل عمده‌ای در ایجاد فاصله‌های اجتماعی و انسانی شناخته شده است. نتیجه چنین وضعیتی افزایش خشونت، افزایش جرائم و حتی افزایش خودکشی در شهرهای بزرگ می‌باشد.

از آنجا که کسانی که در نواحی شهری زندگی می‌کنند معمولاً تحرک زیادی دارند، پیوندهای نسبتاً ضعیفی بین آنها وجود دارد. مردم هر روز در فعالیتهای و وضعیتهای گوناگون فراوانی درگیر می‌شوند «آهنگ زندگی» سریع‌تر از نواحی روستایی است. رقابت بر همکاری چیره است. دورکیم نیز معتقد است که تغییرات شتابزده نوعی بی‌سازمانی شکل می‌گیرد که باعث تغییر ناگهانی در استانداردهای زندگی، قرارگرفتن هنجارها در معرض شرایط دایما در حال تغییر و تضعیف نیروهای اخلاقی جامعه می‌شود که از عوامل موثر بر به جرائم هستند. شهرنشینی مستقیماً به کجروی نمی‌انجامد، بلکه زندگی شهری می‌تواند زمینه ساز عوامل کجروی باشد. شهرها در عین حال که بهترین خدمات اجتماعی موجود را در خود جای داده‌اند، در همان حال بسیاری از معایب اجتماعی را در بطن خود می‌پروراند که قتل و جنایت و ناآرامی‌های اجتماعی از آن جمله است (<http://www.aftab.ir/news/2005>).

آیا بین تغییرات میزان اشتغال جمعیت فعال استان لرستان و تغییرات میزان آسیب‌های اجتماعی استان رابطه معناداری وجود دارد؟

آیا بین تغییرات میزان بیکاری جمعیت فعال استان لرستان و تغییرات میزان آسیب‌های اجتماعی استان رابطه معناداری وجود دارد؟

برای بررسی و تحلیل این دو سوال به علت نزدیک مکمل بودن دو متغیر، با هم مورد بررسی قرار می‌گیرند. مطابق با یافته‌های تحقیق همبستگی مثبت و مستقیمی بین میزان بیکاری و میزان جرائم مشاهده شد یعنی با کاهش یا افزایش میزان بیکاری در سال‌های اخیر شاهد کاهش یا افزایش میزان جرائم در استان لرستان بودیم. از طرف دیگر رابطه منفی و معکوسی بین میزان اشتغال و میزان جرائم در طول این سال‌ها مشاهده شد به عبارت دیگر با کاهش در میزان اشتغال شاهد افزایش میزان جرائم و با افزایش میزان اشتغال شاهد کاهش در میزان جرائم در طی این سال‌ها بودیم.

در زمینه وضعیت اشتغال فعالیت زیادی صورت نگرفته است. اشتغال استان لرستان علی‌رغم برخورداری از ظرفیت‌ها و امکانات بالقوه و جاذبه‌های تاریخی و طبیعی، یکی از استانهای مهاجر فرست کشور به شمار می‌رود و از لحاظ اشتغال در کشور جایگاه مناسبی ندارد. این تغییرات به تحصیل جوانان و نیز افزایش بار تکفل در سطح خانوارها منجر شده است. (سالنامه آماری استان لرستان ۱۳۶۵، ۱۳۷۵ و ۱۳۸۲، به نقل از: سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان لرستان، ۱۳۸۴: ۶۶).

همچنین وضعیت بیکاری استان لرستان در حد مطلوبی نیست. طبق آمارهای سال های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۰ وضعیت بیکاری در استان این شکل است؛ در سال ۱۳۷۵ از مجموع ۳۷۸۲۱۴ نفر جمعیت ده ساله و بیشتر استان، تعداد ۶۹۸۹۹ نفر معادل ۱۸.۴۸ درصد از جمعیت فعال جویای کار بوده اند. در سال مذکور نرخ بیکاری در مناطق شهری استان ۱۹.۱۷ و در مناطق روستایی ۱۷.۶۸ درصد بوده است. نرخ بیکاری در سال ۱۳۸۰ به ۲۸.۲۹ درصد افزایش یافته است. مشاهده می شود که در فاصله زمانی ۱۳۶۵ تا ۱۳۸۰ نرخ بیکاری در استان به نحو چشمگیری گسترش یافته است. که از دلایل آن می توان به عدم سرمایه گذاری در بخش کشاورزی با وجود استعداد بالقوه استان در این بخش ذکر کرد که منجر به مهاجرت فزاینده روستاییان به شهر شده است.<sup>۳۳</sup>

بیکاری زنان استان با ۳۹/۴۳ درصد در سال ۱۳۷۶ رتبه دوم و ۵۶ درصد در سال ۱۳۷۹ رتبه اول را در کشور داشته است. همچنین بیکاری مردان با ۱۶/۳۱ درصد در سال ۱۳۷۶ بعد از کرمانشاه رتبه دوم و با ۲۱/۱۶ درصد بیکاری بعد از استان های سیستان و بلوچستان و کرمانشاه رتبه سوم را به خود اختصاص داده است. این آمار نشانگر از وضعیت بحرانی بیکاری زنان و مردان استان لرستان طی سال های مورد نظر است. عدم اشتغال و نداشتن مسکن مناسب برای شروع زندگی، خانواده به کانونی از زندگی پر مشقت و درد و رنج تبدیل نموده است. بیکاری از مهم ترین عواملی است که در خشونتها و درگیری های خانوادگی و جرائم بیشترین سهم را داراست. جوانان به هنگام برآوردن نیازهای اساسی زندگی همچون یافتن شغل، ازدواج، تهیه مسکن و ادامه تحصیل با موانع برخورد می کنند، به رفتارهایی مثل پرخاشگری علیه بزرگترها متوسل، یا به سمت اعتیاد، افسردگی و در نهایت در پی اختلافات شدید خانوادگی به مدت طولانی اقدام به خودکشی می کنند. لرستان در سال ۱۳۷۵ با جمع ضرایب ۹۷۹.۷، رتبه ۱۰ را در بین ۲۵ استان موجود کشور به خود اختصاص داده است. رتبه این استان در زمینه اعتبارات بهداشت و درمان (رتبه ۲۱)، آموزش و پرورش (رتبه ۱۰)، عمران شهری (رتبه ۱۳) و عمران روستایی (رتبه ۱۶) را دارا بوده است (امیراحمدیان، ۱۳۷۷: ۱۲۷).

به اعتقاد مرتن جرم و بزهکاری از ساختار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه نشئت می گیرد. همه اعضای جامعه در ارزش های مشترک سهیم اند و وفاقی جمعی درباره ارزش ها در جامعه وجود دارد، ولی چون اعضای جامعه به لحاظ ساختارهای اجتماعی در موقعیت های مختلفی قرار می گیرند، برای درک ارزش های مشترک فرصت های مساوی ندارند و چنین وضعی ممکن است موجب انحرافات اجتماعی شود بنابراین واکنش های ناشی از فشارهای بین اهداف فرهنگی و راهها و وسایل دستیابی به آن اهداف از سوی افراد جامعه انجام می شود. یکی از این واکنش ها وضعیتی است که در آن افراد اهداف فرهنگی را

<sup>۳۳</sup> - سالنامه آماری استان لرستان ۱۳۶۵، ۱۳۷۵ و ۱۳۸۲، به نقل از: سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان لرستان، ۱۳۸۴: ۶۸.

پذیرفته‌اند، اما برای نیل به آن اهداف وسایل و راههای مشروع برای رسیدن به آن اهداف را نپذیرفته و راهها و وسایل غیر مشروع و غیرقانونی را انتخاب کرده‌اند. این نوع رفتار انحرافی میان طبقات پایین جامعه یعنی کسانی که اهداف مورد انتظارشان به وسیله ساخت‌های اجتماعی محدود شده بیشتر شایع است. بنابراین زمانی که فرد بیکار باشد و اهداف و ارزش‌های مادی در جامعه از طریق اجتماعی شدن، رسانه‌های گروهی و غیره بپذیرد، اما راه دسترسی به این اهداف را نداشته باشد، یکی از راه‌های که انتخاب می‌کند راه غیر قانونی است. بیکاری عنصری مخرب و زیان‌بخش در روابط فردی و اجتماعی محسوب می‌شود، که هزینه‌های برای فرد و اجتماعی دارد. اشخاص بیکار نسبت به افراد شاغل احتمالاً از نظر سلامتی جسمی و ذهنی در وضع بدتری قرار دارند و در واقع دچار نوعی استیصال اجتماعی می‌شوند. رابطه بین بیکاری و سلامتی در مطالعات متعددی آزمون شده است. از جمله می‌توان از مطالعاتی که اسمیت (۱۹۸۷)، تیلور (۱۹۹۱) و فریر (۱۹۹۲) انجام داده‌اند (به نقل از فتحی، ۱۳۸۳: ۲) نام برد. اثر بیکاری بر جرم و جنایت نیز انکار ناپذیر است "دیکئینسون" معتقد است که بین اقدام‌های جنایی که بیشتر مردان جوان بومی مرتکب می‌شوند با بیکاری همراهی روشنی دارد (همان). البته در اینجا ادعا نمی‌شود که رابطه ساده‌ای بین جرم و بیکاری وجود دارد، اما عامل اصلی در انگیزه جرم محسوب می‌شود. به این ترتیب افزایش بیکاری همواره افزایش جرم و جنایت در جامعه را به دنبال دارد.

آیا بین میزان تحصیلات افراد در استان لرستان با تغییرات میزان آسیب‌های اجتماعی استان رابطه معناداری وجود دارد؟

در رابطه با این سوال آمار تمام زندانیان استان لرستان در طول ۱۰ سال مورد بررسی قرار گرفته است و با مشاهده و تحلیل آمار رابطه معناداری بین میزان تحصیلات و جرم در طی این ده سال در لرستان حاصل شده است. بیشتر کسانی که در طول این ده سال وارد زندانها شده‌اند از سطح سواد کمی برخوردار بوده‌اند. به عبارت دیگر از بین کل افرادی که وارد زندانها شده‌اند بیشترین فراوانی مربوط به کسانی هستند که بی‌سواد، ابتدای و یا سیکل دارند و از طرفی دیگر هرچه میزان سواد بالاتر رفته از تعداد افراد زندانی کاسته شده است و کمترین فراوانی مربوط به کسانی است که لیسانس، فوق لیسانس، دکتری و همچنین کسانی که تحصیلات حوزوی دارند.

آیا بین میزان اماکن دینی (تغییرات در تعداد اماکن دینی) استان لرستان و میزان آسیب‌های اجتماعی استان رابطه معناداری وجود دارد؟

از دید پارسونز، نهادها و سازمان‌های اجتماعی عوامل اجرایی و ابزارهای جامعه‌پذیری الگوی رفتاری و درونی ساختن آنها در افراد هستند. در صورتی که نهادها و سازمان‌های کارگزار جامعه‌پذیری نظیر خانواده، مدرسه و وسایل ارتباط جمعی کارایی لازم را نداشته باشند جامعه دچار بی‌سازمانی اجتماعی



گردیده و پیامد آن شیوع رفتار انحرافی در جامعه است. به اعتقاد پارسونز، افراد با درونی کردن الگوها در فرایند جامعه‌پذیری و ایفای نقش‌ها در چارچوب نظام فرهنگی، روی پیوستاری قرار می‌گیرند که در یک طرف آن رضایت و اقناع درونی و برخورداری از حمایت و پذیرش اجتماعی برای افراد است، در طرف دیگر آن نابسامانی و بی‌هنجاری و رفتار انحرافی است که اجبار و اضطراب اجتماعی را به همراه دارد. یکی از این نهادهای اجتماعی که می‌توان گفت کارگزار جامعه‌پذیری و تثبیت ارزش‌ها و هنجارها می‌باشد، مکان‌های مذهبی‌اند که شامل اماکن متبرکه، مساجد، تکیه و حسینیه‌ها، مراکز مذهبی اقلیت‌ها و غیره می‌باشد. یافته‌های تحقیق حاکی از عدم همبستگی بین میزان اماکن مذهبی و میزان جرائم در این سال‌ها بوده است.

آیا بین تغییرات در میزان طلاق در استان لرستان و تغییرات در میزان آسیب‌های اجتماعی در این استان رابطه معناداری وجود دارد؟

بررسی آمار طلاق در استان لرستان در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که این پدیده در استان رشد داشته است به طوری که نسبت طلاق به ازدواج از ۷.۴ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۹.۲ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش پیدا کرده است. در این پژوهش فرضیه ما تایید نمی‌شود و همبستگی خاصی بین طلاق و میزان کل جرائم در طول این سال‌ها وجود نداشته است و صرفاً بین میزان طلاق و یک جرم خاص (خودکشی) همبستگی دیده می‌شود اما باز این قابل توجه است.

آیا بین میزان مهاجرت به استان لرستان و تغییرات میزان آسیب‌های اجتماعی در این استان رابطه معناداری وجود دارد؟

یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که در طی سال‌های اخیر بین میزان مهاجرت و میزان جرائم در استان لرستان همبستگی وجود دارد. در استان لرستان مهاجرت (تعداد مهاجرت به داخل) از سال ۱۳۷۵ تا سال ۱۳۸۳ روند روبه‌رشدی را پشت سر گذاشته و در سال سال ۱۳۸۳ به بیشترین تعداد مهاجرت در طی این سال‌ها می‌رسد اما در سال ۱۳۸۴ از تعداد این مهاجرت‌ها کاسته شده و به رقم ۲۲۲۰۰ مورد در سال رسیده است. با افزایش میزان مهاجرت شاهد افزایش در میزان جرائم در طی این ده سال نیز می‌باشیم. بنابراین مهاجرت و جابجایی مکانی تاثیراتی در میزان جرائم در لرستان داشته است. اگر بپذیریم که استان لرستان در حال گذار از یک جامعه سنتی به سر می‌برد می‌توان بر اساس چارچوب نظری این پژوهش اینگونه تحلیل کرد که: یکی از تفاوت‌های محیط شهری نسبت به محیط روستایی، اختلاف زیاد خدمات شهری مانند بهداشت، درمان، آموزش و تاسیساتی مانند آب، برق، گاز، مراکز تفریحی و غیره می‌باشد. بدیهی است روند مهاجرت روستا - شهری عمدتاً تحت تاثیر امکانات زیستی و رفاهی در روستاها و جاذبه‌های اجتماعی فرهنگی و اقتصادی شهرها می‌باشد و در مواردی سیاستگذاری‌های نادرست آن را تشدید می‌کند (سعیدی، ۱۳۷۷: ۱۲۷). افزایش مهاجرت می‌تواند تاثیرات گوناگونی

در به دنبال داشته باشد و حتی به بهبود وضعیت اقتصادی فرد مهاجر نیز کمک کند اما یکی از تاثیرات منفی مهاجرت در طی این سال ها افزایش جرم و جنایت در استان می باشد. این مسئله باعث به هم خوردن تعادل جمعیتی می شود و باعث افزایش جمعیت در شهرها و تراکم جمعیت در این مناطق می شود. در چنین شرایطی هر چه جمعیت بزرگتر باشد جدایی های فضایی بر مبنای نژاد، قوم و منزلت بیشتر خواهد شد. جدایی فضایی در شهر باعث سست شدن پیوندهای همسایگی و احساساتی می شود که جوامع کوچک از آن برخوردارند. ضعیف شدن این پیوندها باعث تقویت رقابت و ضرورت حضور نظارت رسمی می گردد. فرد در شرایط آنومی یا بی هنجاری قرار می کند، که در چنین شرایط احتمال ارتکاب جرائم در فرد بالا می رود. به عنوان مثال به علت عوامل جذب کننده در شهر و از طرفی با پیشرفت تکنولوژی در روستاها نیروی مازادی در فعالیت های کشاورزی و غیره در روستاها شکل می گیرد به همین دلیل و دلایل احتمالی دیگر به شهرها مهاجرت می کنند این روند را می توان در سال های اخیر با شدت بیشتری احساس کنیم و میزان مهاجرت به صورت تصاعدی رشد کرده است. جوانان قشر پایین جامعه وقتی مهاجرت می کنند و در شهرها حضور می یابند پیامدهای اجتماعی مهاجرت آنان به صورتی حادثر نمود خواهد یافت، چرا که روحیه تنوع طلبی جوانان از طرفی و هویت طلبی از طرف دیگر، پیامدهای اجتماعی را تشدید می کند وقتی جوان به شهر می آید در اثر هم نشینی و رفت و آمد با شهروندان آگاهی او افزایش یافته و جوان از حقوق و مطالبات خود آگاه می شود و همین آگاهی منجر به بی اعتمادی و عدم پایبندی به هنجارها و تعهدات شهروندی و جرائم می شود زیرا با احساس شکاف عمیق میان خود و امکانات بیشتر، احساس محرومیت می کند و به تعبیر دورکیم آروزهای بلندپروازانه را در سر می پروراند. این افراد آرزوی یک زندگی خوب و دستیابی به امکانات بهتر را از راه های معمول، غیر ممکن می دانند و خواه ناخواه به سوی انواع جرائم کشانده می شوند.

مصاحبه شونده گان به نقش تغییر و تحولات فرهنگی - اجتماعی در طول سال های گذشته اشاره می کنند توسعه اجتماعی طی دو دهه گذشته باعث فقیر تر شدن مردم شده است. وضعیت اشتغال و بیکاری افراد: از دیدگاه مردم فقر اقتصادی خانواده و بیکاری فرد، به عنوان مهمترین عوامل مؤثر بر ارتکاب جرم شناخته شده است. یکی از عوامل مؤثر بر ارتکاب جرم را در استفاده از رسانه ها و افزایش سطح آگاهی مردم و به خصوص نسل جدید می دانند. از نگاه مصاحبه شونده گان افرادی که نزدیک به شهرهای بزرگ زندگی می کنند و یا به شهرهای بزرگ مهاجرت می کنند، بیشتر احتمال دارد که دست به عمل خلاف بزنند این در حالی است که بیشتر آنان اعتقاد دارند مردمی که در روستاهایی که با فاصله بیشتر از شهرهای بزرگ و در داخل رشته کوهها واقع شده اند خلاف کمتری اتفاق می افتد و نرخ پایین تری از جرم را شاهد هستیم. چون توقعات، خواسته ها و آرزوها بسیار محدود - در حد نیاز های زندگی - می باشد. اما امروزه ارتباط و مهاجرت به شهر بسیار زیاد شده است و حتی در بسیاری از روستاها همان

امکانات شهری از قبیل رسانه‌ها و وسایل رفاهی نیز استفاده می‌شود کسی که با شهرها و این امکانات ارتباط دارد، تلوزیون مشاهده می‌کند، ماهواره می‌بیند و این همه پیشرفت را می‌بیند احساس نابرابری می‌کند، افسرده می‌شود و مدام با خودش درگیری دارد که چرا «من هم نداشته باشم و اینگونه زندگی نکنم» و خودش را سرزنش می‌کند که چرا شرایط زندگی برای پیشرفت من آماده نیست. این شیوه تفکر امروزه در بسیاری از روستاها و شهرهای استان حاکم است و اگر فرد نتواند به آنچه می‌خواهد برسد یا خودکشی می‌کند یا از راه‌های غیر قانونی و جرم تلاش می‌کند به آنچه می‌خواهد برسد. در حال حاضر افراد اگر بیکار باشند، چون رفاه و آسایش را تجربه کرده‌اند، و به آن آگاهی دارند، سطح توقعات و انتظارات آنان بسیار بالاست، فشار زیادی را تحمل می‌کند؛ اما این وضعیت در روستاهای محروم و دور افتاده و یا در دهه‌های گذشته کمتر اتفاق می‌افتد چون افراد خود را با دیگران مقایسه نمی‌کنند، هنوز بسیاری از مردم شغل کشاورزی، دامداری و یا شغل پدر خود را ادامه می‌دادند و خواسته‌ها بسیار کمتر است. ارتباط با شهرها و شهرنشینی و رسوخ فرهنگ شهر به زندگی آنها باعث شده که مدام خود را با همدیگر مقایسه می‌کنند و احساس نابرابری و محرومیت عامل بسیاری از جرائم و خودکشی در این منطقه شده است. در سال‌های گذشته حتی افراد سیگاری و معتاد بسیار کمی وجود داشت. خودکشی در بین مردم بسیار کم دیده می‌شود. سه دهه گذشته فرهنگ مردم تقریباً یک دست و همه تا حدودی با هم برابر بودند. روابط مردم و خانواده‌ها بسیار زیاد بود رفت آمد زیاد بود در غم و شادی به هم کمک می‌کردند، دین و ایمان و اعتقادات مردم خیلی قوی بود ولی امروزه به خاطر ارتباطات روستاییان با شهر مردم دارای امکانات و وسایل زندگی شهری خود را با همدیگر مقایسه می‌کنند و بیشتر می‌خواهند دین ایمان ضعیف شده و همه می‌خواهند سرهم کلاه بگذارند و به پول برسند. زن روستایی مرد خود را سرزنش می‌کند که چرا ماشین ندارد، وضعیت اقتصادی مناسبی ندارد، به او توهین می‌شود و این موجب ناراحتی و احساس بی‌ارزشی و سردرگمی و پوچی او می‌گردد.

### بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر به روش کمی و کیفی انجام گرفته است در روش کمی از تحلیل ثانویه داده‌های سرشماری و سالنامه‌های آماری و همچنین از آمارهای نیروی انتظامی استان در ارتباط با جرائم استفاده شده است. با توجه به محدودیت‌های تحلیل ثانویه در بخش کمی، صرفاً از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است و وجود و عدم وجود همبستگی میان متغیرها مورد بررسی قرار گرفته شد. همبستگی با رابطه علی متفاوت می‌باشد و وجود همبستگی میان دو متغیر دال بر رابطه علی و معنادار نیست و در واقع نوعی هم‌تغییری است که ممکن است تصادفی باشد. نتایج پژوهش حاضر حاکی از وجود همبستگی

مثبت و مستقیم بین متغیرهای شهرنشینی، جمعیت، اشتغال و بیکاری، مهاجرت و سطح سواد با میزان جرائم در طول سال های اخیر می باشد. همچنین همبستگی منفی و معکوسی بین میزان طلاق در استان با میزان جرائم در طی این سال ها مشاهده شد. در بخش دوم تحقیق با استفاده از رویکرد کیفی و راهبرد پدیدارشناسی تلاش نمودیم تا با انجام مصاحبه های عمیق و تعاملات شفاهی با افرادی که پدیده مورد مطالعه را تجربه کرده اند، یافته های بخش کمی را مورد آزمون قرار دهیم. یافته های بخش کیفی نشان داد بیکاری، فقر، احساس محرومیت، افزایش شهرنشینی، مهاجرت، کم رنگ شدن اعتقادات دینی، تعارض بین هنجارها و ارزش های سنتی و مدرن، افزایش جمعیت و کم توجهی افراد به همدیگر، توقعات و آرزوهای نامحدود و امکانات محدود از جمله عوامل مهم و تاثیر گذار بر میزان جرائم می باشد لذا در بخش کیفی تحقیق نیز یافته های بخش کمی مورد تایید واقع می شود و همبستگی مشاهده شده ناشی از شانس و تصادف نیست.

در تبیین موضوع مورد مطالعه از اینجا شروع کنیم که استان لرستان از جمله مناطقی است که دیرتر با مدرنیته آشنا شد چون تعداد قابل ملاحظه ای از ساکنان این منطقه عشایر و کوچ نشین بودن و در کوهستان های آنجا به بیلاق و قشلاق می پرداختند. زندگی آنها به قدری دور از تحولات است که استارک شرق شناس اسکاتلندی می نویسد:

«برای آدمی خیلی لذت بخش است که گاهی نیز میان افرادی برود که زندگی ساده ای را پیشه خود ساخته اند و به این جهان گذران اعتنایی ندارند این مردم همان قدر که در فکر تهیه وسایل معیشت نیستند، قصد بهره بردن از خود زندگی را نیز ندارند.»

چنین توضیحی نشان دهنده عدم حضور مظاهر مدرنیته در منطقه مورد مطالعه است. صعب العبور بودن منطقه و نبودن راه های ترابری باعث عدم حضور مظاهر مدرنیته در این منطقه شده بود. اما با تقسیم آرازی، فروش نفت و ازدیاد ثروت عمومی از یک طرف و کاهش محصولات کشاورزی از طرف دیگر باعث جازبه شهرها گردید. همزمان با اصلاحات ارضی جاده های شوسه ای رونق می گیرد به عنوان مثال جاده الشتر، نورآباد و خرم آباد حمل و نقل عمومی و ترابری را ممکن می سازد. این عوامل سبب مهاجرت افراد زیادی به شهرها شد و بر اثر این مهاجرت ها دهستان های زیادی از جمله کوهدشت، الشتر، نورآباد و ... تبدیل به شهر شدن و شهرنشینی رونق گرفت. اکثر مهاجرین سعی کرده اند که در شهرهای جدید، هویت های سنتی خود را حفظ کنند آنها به لحاظ فضاهای شهری سعی می کردند که محله های همگونی را تشکیل دهند به نحوی که طایفه ای خود را حفظ کنند و هر طایفه از مجموع تیره و هر تیره از مجموع چند هوز تشکیل شده بود. حضور در شهر به مانند دیگر جاها باعث دسترسی افراد به رسانه های جمعی از جمله رادیو، تلویزیون، موبایل و اینترنت و ... شدند. حضور رسانه ها باعث فشردگی زمان و فضا و از جاکندگی فضاهای اجتماعی و فرهنگ هاست در جوامع قبلی مکان و فضا برهم منطبق بودند و فرهنگ ها نیز در زمان خاص خودشان معنا دار بودند اما رسانه ها آنها را از رگ و ریشه های خود و سرزمینشان جدا

کردند و در یک فضای بیکران منتشر ساختند این امر تغییرات شدید اجتماعی و فرهنگی را برای این سرزمین همراه آورده است.

با توجه به نظریات دورکیم، با ظهور مدرنیته غربی تمام مولفه‌های انسجام‌بخش سنت از بین می‌روند و دیگر نمی‌توانند نقشی در همبستگی جامعه و کنترل افراد داشته باشند. بنابراین حضور همزمان سنت و مدرنیته ممکن نیست و اگر هم باشد امری گذرا و ناپایدار است در صورتی که ورود مدرنیته به جوامع جهان سوم غیر از این است. به این معنا که سنت همچنان کارکرد خود را دارد و در کنار تمایزات ساختاری به هویت‌بخشی و انسجام‌بخشی تداوم می‌بخشد. حضور همزمان این دو، تعارضات و تناقضات زیادی را در سطوح مختلف این جوامع به وجود آورده‌اند (کچوئیان، ۱۳۸۴؛ میرسپاسی، ۱۳۸۴).

مدرنیزاسون مجموعه‌ای از برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی، صنعتی شدن، شهرنشینی و کاربرد تکنولوژی در زندگی روزمره است این مجموعه از تغییرات با نگرش فرهنگی با نام مدرنیسم همراه است به این ترتیب که مدرنیته تجربه‌ای است که در آن فرد یا جامعه‌ای نسبت خود را با این دو مشخص می‌سازد. اگر جامعه‌ای صرفاً بر بعد تکنیکی و مدرنیزاسیون تکیه کند و توجهی به بینش فکری آن نداشته باشد، مدرنیته در آن جامعه به صورت مقطعی، به وضوح نافرجام یا شدیداً مسخ شده و مخدوش به وقوع می‌پیوندد (برمن، ۱۳۸۶: ۲۱۲). همین مسئله باعث تعارضات و تناقضاتی در این منطقه شده است. این تعارضات در بسیاری از ابعاد زندگی ساکنان منطقه نمایان است از جمله در عشق و انتخاب همسر، کار و اشتغال، انتظارات و توقعات از زندگی و غیره. این مسئله برای تعداد قابل ملاحظه‌ای از ساکنین و نسل جدید در منطقه گران تمام می‌شود. چرا که با انسان‌هایی روبه رو هستیم که در سردرگمی و بلاتکلیفی به سر می‌برند و از یک طرف سعی می‌کنند ظواهر دنیای مدرن را داشته باشد و همزمان ارزش‌های سنتی خود را نیز حفظ نماید. آنها دیگر نمی‌توانند مانند گذشته از سنت پیروی کنند، فردگرایی مدرن را پذیرفته‌اند اما برای آنها این امکان وجود ندارد که آنگونه تصمیم بگیرند، چون در مقابل سنت قرار می‌گیرند. بنابراین فرد در چنین شرایطی فشارهای زیادی را باید تحمل کند و دچار سرخوردگی و آسیب‌های ناشی از آن می‌شود. بنابراین در سطح کلان می‌توان از تئوری بی‌سازمانی اجتماعی استفاده کرد. این تئوری بر روی شکل مستقیم کنترل غیررسمی یا ثمربخشی جمعی<sup>۲۳۳</sup> متمرکز شده است. یعنی توانای مداخله موثر در مسائل محله و نظارت ساکنین برای حفظ نظم عمومی. این تئوری فرض نموده است چنانچه این مکانیسم‌های مکمل ضعیف گردند، محلات توانایی خود را نسبت به کنترل جرم از دست خواهند داد. شدت همبستگی محله و ثمربخشی جمعی به ترتیب برای نمایان ساختن دامنه وسیعی از شرایط سطح کلان از قبیل؛ فقر، شهرنشینی، صنعتی شدن، صنعتی‌زدایی، دگرگونی جمعیت و

233 . Collective efficacy

ناهمگونی قومی/ نژادی در نظر گرفته شده است. در صورتی که آنها افزایش یابند، شدت همبستگی و کنترل غیر رسمی کاهش می‌یابد. شاو و مک‌کی (۱۹۴۲)، فرض کرده‌اند که مناطق شهری متراکم و بزرگ باعث ایجاد روابط انسانی سطحی می‌شوند که به ترتیب، تضاد بین فردی را افزایش داده و کنترل و نظارت رسمی را ضروری می‌نماید. این نتایج بی‌سازمانی اجتماعی، با فقر و تحرک گزینشی جمعیت در اطراف شهرها همراه گردیده و منجر به ضعف کنترل اجتماعی می‌شود که افزایش خرده‌فرهنگ‌های کجرو و به تبع آن افزایش میزان جرائم را به دنبال دارد (Galea et al, 2002: 1374). برای تبیین مسائل فوق در سطح خرد در منطقه نظریه فشار آگنیو این مسئله را به خوبی تبیین می‌کند. نظریه فشار عملی بر روابطی متمرکز است که دیگران مانع از آن می‌شوند که فرد به اهداف با ارزش و مثبت دست یابد. آگنیو تاکید دارد که افراد صرفاً در پی اهداف اجتماعی نیستند بلکه همچنین می‌کوشند از موقعیت‌های عذاب آور دوری کنند. آنگونه که راه‌های مشروع دستیابی به اهداف مسدودند، تلاش‌های صورت گرفته برای اجتناب از درد و رنج هم می‌تواند به جرم و انحراف منجر شود. نظریه فشار آگنیو فرض را بر این می‌گیرد که مسدود بودن راه‌های اجتناب از درد و رنج هم به شکل مستقیم و هم به شکل غیرمستقیم از طریق خشم منجر به جرم و انحراف می‌شود (هارل، ۲۰۰۷: ۱۰). رفتار مجرمانه و جرم یکی از شیوه‌های انطباق است اما آنگونه که آگنیو خاطر نشان می‌سازد، هر فردی که فشار را تجربه می‌کند به رفتارهای نامشروع متوسل نمی‌شود. عوامل متعددی وجود دارند که بر شیوه انطباق فرد اثر می‌گذارند. از جمله این عوامل ارزش‌ها، اهداف و هویت‌های افرادند. اگر فشار، ارزش‌ها و هویت‌های مهم فرد را تحت تاثیر قرار دهد و فرد اهداف، ارزش‌ها و هویت‌های بدیل چندانی در دسترس نداشته باشد، بیشتر احتمال دارد که به رفتارهای غیرقانونی و نامشروع دست بزند.

بنابر این با توجه به رویکردهای فوق بسیاری از مردم منطقه از محل اصلی خود، پیوندهای خانوادگی ارزشها و هنجارهای که به رفتار آنها معنا و مفهوم می‌بخشید جدا شده‌اند و در فضایی قرار گرفته‌اند که ترکیبی از طوایف، اقوام و خرده‌فرهنگ‌های مختلف است. این مسئله افراد را از وابستگی‌های خانوادگی و بومی خود محروم کرده است و کنترل‌های غیررسمی دیگر حضور ندارد، لذا این افراد تحت روابط سست و گذرا زندگی می‌کنند. سطح تحریک‌پذیری و وسوسه در تعداد قابل ملاحظه‌ای از افراد در منطقه بسیار بالا می‌باشد. این منطقه یکی از مناطق محروم می‌باشد که زندگی بسیاری از افراد در سطح پایین می‌باشد. حضور رسانه‌ها و پیشرفت‌های بسیار زیاد در ارتباطات، آگاهی بالا، انتظارات و توقعات بالا از زندگی از طرفی حضور ارزش‌ها و هنجارهای سنتی در کنار و دوشادوش ارزش‌های مدرن، دست به دست هم داده تا زمینه‌ساز بسیاری از مسائل و مشکلات در منطقه شود.

## راهکارها و راهبردهای پیشنهادی

جوامع در حال گذار جوامعی هستند که به دلیل تغییرات متنوع و متعدد معمولاً با تضادهای مختلفی در ساختارها و زیرساخت‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی مواجه‌اند. عدم تطابق و رشد ناهماهنگ عنصر مادی و غیرمادی فرهنگ در این جوامع، موانع و مشکلاتی را در سازگاری اجتماعی به وجود آورده است. در چنین جوامعی افراد به زحمت می‌توانند خود را بامحیط سازگار و یا با تغییرات و دگرگونی‌های تازه و سریع همراهی کنند. از این حیث دچار نوعی بی‌سازمانی و از هم گسیختگی اجتماعی می‌شوند و این بی‌سازمانی‌ها و بی‌نظمی‌ها منجر به عدم تعادل و ثبات اجتماعی در مقاطع مختلف زمانی و افزایش کجروی‌ها و آسیب‌های اجتماعی می‌شود.

جامعه سازمان یافته، جامعه دارای ثبات است و مردم نقش‌های خود را بدون فشار و یا تقابل، به‌سادگی انجام می‌دهند و رفتار اجتماعی از هنجارها و قواعد اجتماعی تأثیر می‌پذیرند. وقتی سازمان اجتماعی در مقابل تغییرات اجتماعی قرار گیرد و امکان انطباق پیدا نکند، دچار بی‌سازمانی می‌شود. (آزادامکی و بهار، ۱۳۷۷، ص ۳۸)

استان لرستان به عنوان یکی از استان‌های در حال گذار از مرحله سنتی از این قاعده مستثنی نبوده است و با تغییرات و دگرگونی‌های وسیعی در ساختارهای اصلی خود به خصوص ساختارهای فرهنگی و اجتماعی مواجه بوده است. در نتیجه این تغییرات شتاب آلود آسیب‌ها و تهدیدهای اجتماعی متنوعی بر جامعه تحمیل شده است. به طوری که قبلاً هم ذکر شد بخشی از این تغییرات اجتماعی - فرهنگی باعث افزایش قابل ملاحظه‌ای در میزان جرائم در یک دهه (۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵) شده است.

از آنجا که میزان پیشرفت و توسعه هر جامعه‌ای در سایه امنیت و ثبات اجتماعی حاصل می‌شود لذا شناخت تهدیدها و آسیب‌پذیری اجتماعی استان لرستان و بررسی روند و ابعاد مختلف آن، چگونگی تغییرات و الویت‌بندی آنها در زمان حال و همچنین آینده، راه را برای برنامه‌ریزان هموار کرده و علاوه بر آن موجب می‌شود تا اقدامات استراتژیک به موقع و تصمیم‌گیری‌های صحیحی قبل از وقوع پیوستن هرگونه بحران، اتخاذ و ثبات اجتماعی تا حد امکان حفظ شود. در نظریه بی‌سازمانی اجتماعی تاکید می‌شود که تغییرات سریع اجتماعی هنجارهای جامعه را دچار اختلال می‌کند و وقتی هنجارها ضعیف و یا با یکدیگر در تعارض باشند، جامعه در وضعیت بی‌سازمانی یا بی‌هنجاری قرار می‌گیرد. بر اساس این نظریه راه حل مسائل اجتماعی کم کردن سرعت تحولات اجتماعی و قوت بخشیدن به هنجارهای اجتماعی است.

راهبردها و تدابیر پیشنهادی:

- تدوین استراتژی‌های بلند مدت و میان مدت جهت ایجاد فرصت‌های شغلی تعدیل در میزان بیکاری در استان.
- آموزش اجباری مهارت‌های زندگی در مدرسه و دانشگاه آشنایی صحیح دختران و پسران از نقش‌ها و مسئولیت‌ها و مهارت‌های زیستن.
- افزایش سطح آگاهی عمومی در مورد مسئله همسرگزینی با هدف کاهش سطح طلاق و سایر ناهنجاری‌های مربوط به آن.
- از آنجایی که ارائه برنامه‌های آموزشی و غیره در سطح اول هیچ‌گاه نمی‌تواند طلاق را به صفر برساند لذا ضروریست که در حمایت از افراد حاصل از طلاق، حضانت فرزندان و غیره تمهیدات لازم از طریق تصویب قوانین و غیره اتخاذ شود. آموزش‌های لازم به افراد حاصل از طلاق داده شود تا با پیامدهای حاصل از آن آشنا شوند و مهارت‌های مقابله با پیامدها و مشکلات را بشناسند.
- برنامه‌ریزی نهادهای فرهنگی و اجتماعی جهت کاهش احساس محرومیت، ناامنی و بی‌عدالتی اجتماعی.
- تدوین استراتژی کلان و برنامه‌ریزی مدون به منظور پیشگیری از مهاجرت روستائیان به شهرها و حاشیه نشینی.
- کم کردن سرعت تحولات اجتماعی و قوت بخشیدن به هنجارهای و ارزشهای اجتماعی حاکم بر جامعه.
- تدوین الگوی استراتژیک جهت جامعه‌پذیری صحیح افراد و ایجاد هماهنگی و تعادل میان مهمترین منابع جامعه‌پذیری افراد اعم از خانواده، مدرسه، اجتماع و رسانه‌های گروهی به منظور ایجاد آموزش‌های اخلاقی و فرهنگی مناسب برای جامعه.
- با توجه به شرایط کنونی جامعه استفاده حداکثری از ظرفیت‌های صدا و سیما جهت آموزش عمومی به منظور افزایش آگاهی اجتماعی و جلوگیری از گسترش موج ناهنجاری‌ها و جرائم.
- تدوین استراتژی‌های بلند مدت، میان مدت و کوتاه مدت به منظور ارتقا سطح آگاهی عمومی جامعه و هشدار نسبت به پیامدهای خطرناک جرائم از جمله اعتیاد و ناهنجاری‌های اجتماعی ناشی از این پدیده.

#### فهرست منابع فارسی

- ۱- احمدنیا، شیرین و مهربار، هوشنگ (۱۳۸۳)، «نگرش و ایده‌آل‌های نوجوانان تهران در زمینه‌ی همسرگزینی، فرزندآوری و تنظیم خانواده، مجموعه مقالات دومین همایش انجمن جمعیت-



- شناسی ایران، با عنوان بررسی مسائل جمعیتی ایران با تاکید بر جوانان، دانشگاه شیراز: انتشارات مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.
- ۲- احمدی، حبیب (۱۳۸۴)، «جامعه‌شناسی انحرافات»، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- ۳- احمدی، حبیب (۱۳۷۷)، «نظریه‌های انحرافات اجتماعی»، شیراز: انتشارات زر.
- ۴- اخوی، احمد (۱۳۷۳)، «مطالعه‌ای در نظریه‌ها، کاربردها و تجربه‌های تجارت بین‌الملل، استراتژی بازرگانی و توسعه اقتصادی»، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- ۵- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۷۹)، «حقوق جزای عمومی»، تهران: نشر میزان.
- ۶- ارمکی آزاد، تقی و دیگران (۱۳۷۹)، «بررسی تحولات اجتماعی و فرهنگی در طول سه نسل خانواده تهرانی»، مجله علوم اجتماعی، تهران: دانشگاه تهران، شماره ۱۹.
- ۷- ارمکی آزاد، تقی (۱۳۷۹)، «مقاله دگرگونی فرهنگی اینگلهارت، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، چاپ نشده.
- ۸- آزاد ارمکی، تقی و بهار، مه‌ری (۱۳۷۷)، «بررسی مسائل اجتماعی»، تهران: جهاد.
- ۹- ازکیا، مصطفی و علیرضا دربان آستانه (۱۳۸۲)، «روش‌های کاربردی تحقیق» تهران: انتشارات کیهان.
- ۱۰- ادیب حاج باقری، محسن، و همکاران (۱۳۸۶)، «روش‌های تحقیق کیفی»، تهران: انتشارات بشری، چاپ اول.
- ۱۱- استراوس، آنسلم، کوربین، جولیت (۱۳۸۵)، «اصول روش تحقیق کیفی: نظریه مبنایی رویه‌ها و شیوه‌ها»، ترجمه بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۱۲- اشرف، احمد (۱۳۵۵)، «کژرفتاری مسائل انسانی و آسیب‌شناسی اجتماعی»، تهران: آموزشگاه عالی خدمات اجتماعی.
- ۱۳- امیر احمدیان، بهرام (۱۳۷۷)، «درجه توسعه یافتگی استانها و همسازی ملی در ایران» فصلنامه مطالعات ملی (بی شماره).
- ۱۴- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳)، «تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی»، ترجمه مریم وتر، تهران: انتشارات کویر، سال.
- ۱۵- بواندیا، هرناندو گومز (۱۳۸۰)، «جرائم شهری: گرایش‌ها و روش‌های مقابله با آنها»، ترجمه فاطمه گیوه‌چیان، گروه عمومی، انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ۱۶- بودن، ریمون (۱۳۶۴)، «منطق اجتماعی»، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: انتشارات جاویدان، چاپ اول.

- ۱۷- بیرو، آلن (۱۳۶۷)، «فرهنگ علوم اجتماعی»، ترجمه باقر سارو خانی، تهران: انتشارات کیهان.
- ۱۸- تاج زمان، دانش (۱۳۶۷)، «مجرم کیست، جرم‌شناسی چیست؟»، تهران: انتشارات موسسه کیهان.
- ۱۹- ترنر، جانانان (۱۳۷۸)، «مفاهیم و کاربردهای جامعه‌شناسی»، ترجمه محمد فولادی، محمدعزیز بختیاری، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- ۲۰- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۶)، «نظریه‌های جامعه‌شناسی»، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- ۲۱- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۰)، «نظریه‌های جامعه‌شناسی»، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- ۲۲- چلبی، مسعود (۱۳۷۵)، «جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی»، تهران: نشر نی، چاپ اول.
- ۲۳- دواس‌دی. ای (۱۳۸۵)، «پیمایش در تحقیقات اجتماعی»، ترجمه هوشنگ نایبی، تهران: نشر نی،
- ۲۴- دورکیم، امیل (۱۳۷۹)، «تقسیم کار اجتماعی»، ترجمه باقر برهام، تهران: نشر مرکز
- ۲۵- دورکیم، امیل (۱۳۷۸)، «خودکشی»، ترجمه نادر سالاری‌زاده امیری، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۲۶- رابرتسون، یان (۱۳۷۴)، «درآمدی بر جامعه: باتاکید بر نظریه‌های کارکردگرایی، ستیزه و کنش متقابل نمادین»، ترجمه حسین بهروان، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ دوم.
- ۲۷- رابینگتن، ارل و واینبرگ، مارتین (۱۳۸۲)، «رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی» ترجمه: رحمت‌ا... صدیق سروستانی، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ۲۸- رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۷)، «توسعه و تضاد» تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ هفتم.
- ۲۹- روشه، گی (۱۳۷۲)، «تغییرات اجتماعی»، ترجمه منصور وثوقی، تهران: نشر نی.
- ۳۰- روشه، گی (۱۳۶۹)، «تغییرات اجتماعی»، ترجمه منصور وثوقی، تهران: نشر نی.
- ۳۱- ریتزر، جورج (۱۳۷۴) «نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر»، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- ۳۲- زیاری، کرامت‌الله (۱۳۷۹)، «سنجش درجه توسعه یافتگی فرهنگی استان‌های ایران»، تهران: نامه علوم اجتماعی شماره ۱۶.
- ۳۳- ساروخانی، باقر (۱۳۸۳)، «روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، جلد اول. اصول و مبانی (چاپ نهم)». تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- ۳۴- سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان لرستان، مرادی، یگانه و عارفیان، احسان، (۱۳۸۴). «سیمای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان لرستان»، شماره نشریه ۵۱۴.
- ۳۵- ستوده، هدایت‌الله (۱۳۷۳)، «مقدمه‌ای بر آسیب‌شناسی اجتماعی»، تهران: موسسه انتشارات آوای نور، چاپ دوم.
- ۳۶- ستوده، هدایت‌الله (۱۳۸۲)، «آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)»، تهران: انتشارات آوای نور.
- ۳۷- سلیمی، علی؛ داوری، محمد (۱۳۸۶)، «جامعه‌شناسی کجروی»، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- ۳۸- سمیعی، ح (۱۳۳۳)، «حقوق جزا»، تهران: شرکت مطبوعات، چاپ چهارم.
- ۳۹- سویج، مایکل، آلن‌وارد (۱۳۸۰)، «جامعه‌شناسی شهری»، ترجمه ابوالقاسم پوررضا، نشر تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت).
- ۴۰- شیخوندی، داور (۱۳۷۹)، «جامعه‌شناسی انحرافات و مسائل جامعه‌ی»، مشهد: نشر مرنديز.
- ۴۱- صدفی، ذبیح‌الله (۱۳۷۲)، «تأثیر اجتماعی در ارتکاب جرم با تکیه بر عوامل خانوادگی، فرهنگی و اجتماعی موثر بر بزهکاری نوجوانان»، کانون اصلاح و تربیت تهران.
- ۴۲- صدیق، سروستانی، رحمت ا...، (۱۳۸۳)، «آسیب‌شناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی انحرافات»، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۴۳- طالب، مهدی، با همکاری موسی عنبری (۱۳۸۴)، «جامعه‌شناسی روستایی با تاکید بر ابعاد تغییر و توسعه در جامعه روستایی ایران»، دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ.
- ۴۴- طالب، مهدی (۱۳۸۰)، «شیوه‌های مطالعات اجتماعی»، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۴۵- عبداللهیان، حمید (۱۳۸۳)، «ارزش سنت و بازتولید فرهنگی، مجموعه مقالات دومین همایش انجمن جمعیت‌شناسی ایران، با عنوان بررسی مسائل جمعیتی ایران با تاکید بر جوانان، دانشگاه شیراز: انتشارات مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.
- ۴۶- علی‌آبادی، عبدالحسین (۱۳۳۴)، «حقوق جنایی»، دانشگاه تهران، تهران: انتشارات فردوسی.
- ۴۷- غفاری، غلامرضا؛ ابراهیمی‌لویه، عادل (۱۳۸۸)، «جامعه‌شناسی تغییرات اجتماعی»، تهران: انتشارات آگرا؛ لویه.
- ۴۸- فتحی، یحیی، «بیکاری و پیامدهای مختلف اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آن»، نشریه مجله اقتصادی، شماره ۸.
- ۴۹- فرانکفورد، چاوا. نچمیاس، دیوید (۱۳۸۱)، «روشهای پژوهش در علوم اجتماعی»، ترجمه فاضل لاریجانی و رضا فاضلی، تهران: انتشارات سروش، چاپ اول.

- ۵۰- فرجاد، محمدحسین (۱۳۷۹)، «آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)»، تهران: دفتر تحقیقات و انتشارات بدر.
- ۵۱- فیلک، اووه. (۱۳۸۸) «در آمدی بر تحقیق کیفی»، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- ۵۲- «قانون مجازات اسلامی»، مصوب ۲۱ تیرماه ۱۳۶۱، ماده ۲
- ۵۳- کاظمی‌پور، شهلا (۱۳۸۴)، «مبانی جمعیت‌شناسی»، تهران: مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.
- ۵۴- کوزر، لوئیس (۱۳۸۳)، «زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی»، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی.
- ۵۵- کوش، دنی (۱۳۸۱)، «مفهوم فرهنگ در علوم اجتماعی» ترجمه فریدون وحید، تهران: نشر نی.
- ۵۶- کولب، ویلیام. ل و گولد، جولیس (۱۳۷۶)، «فرهنگ علوم اجتماعی»، گروه مترجمان، تهران: انتشارات مازیار.
- ۵۷- کینگ، ساموئل (۱۳۴۳)، «جامعه‌شناسی»، ترجمه مشفق همدانی، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- ۵۸- کی‌نیا، مهدی (۱۳۷۰)، «مبانی جرم‌شناسی: جامعه‌شناسی جنایی»، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ۵۹- گلدوزیان، ایرج (۱۳۷۷)، «بایسته‌های حقوق جزای عمومی (۱-۲-۳)»، تهران: نشر میزان.
- ۶۰- گیدنز، آنتونی، (۱۳۸۹)، «جامعه‌شناسی» ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- ۶۱- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۱)، «جامعه‌شناسی»، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی، چاپ هفتم.
- ۶۲- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷)، «جامعه‌شناسی» ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- ۶۳- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۳)، «نظریه‌های جامعه‌شناسی»، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- ۶۴- «مجموع قوانین کیفری فرانسه»، مصوب ۱۶ فوریه ۱۸۱۰، ماده ۱.
- ۶۵- مساواتی‌آذر، مجید (۱۳۷۴)، «آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)»، تبریز: انتشارات نوبل، چاپ اول.
- ۶۶- معید فر، سعید (۱۳۷۹)، «جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی معاصر در ایران»، تهران: سرزمین ما.
- ۶۷- ممتاز، فریده (۱۳۸۱)، «انحرافات اجتماعی: نظریه‌ها و دیدگاه‌ها»، تهران: شرکت سهامی انتشار چاپ اول.
- ۶۸- ممتاز، فرید (۱۳۷۹)، «جامعه‌شناسی شهری»، نشر تهران.
- ۶۹- منصور، جهانگیر (۱۳۸۱)، «قانون مجازات اسلامی»، تهران: انتشارات دیدار.
- ۷۰- مور ویلبرت ای (۱۳۸۱)، «تغییر اجتماعی»، ترجمه پرویز صالحی، تهران: انتشارات سمت.

- ۷۱- میرمحمد صادقی، محمدحسین (۱۳۸۲)، «پیشگیری از وقوع جرم»، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، پیش شماره دوم، فصلنامه تخصصی کاربردی معاونت اجتماعی ناجا، ۱۳۸۲.
- ۷۲- نادمی، داوود؛ دامنه و هزینه تغییرات اجتماعی، نشریه ایران: ۱۳۸۵/۸/۶
- ۷۳- نجفی توانا، علی (۱۳۷۷)، «جرم‌شناسی»، تهران: انتشارات خیام .
- ۷۴- وایت، رابرت و فیونا، هینز (۱۳۸۶)، «جرم و جرم‌شناسی» ترجمه علی سلیمی و همکاران، قم: موسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه.

#### فهرست منابع لاتین

- ۷۵- Block. Michael, Heineke. John, (1975): "A Labour Theoretical Analysis of Crimhnal choice". American Economic Review, 1975, Vol. 65.\
- ۷۶- Cohen, Albert K. (1968): "Deviant Behavior", In Sills, David L. International Encyclopedia of Social Science. Vol. 4. New York: Mcmillan Company & The Free Press.
- ۷۷- Defler, L. B. (1968), "Ecological Variables in the Cross-Cultural study of Delinquency", Social Forces.
- ۷۸- Demombynes. Gabriel, Bozler. Berk (2002): "Crime and Local Inequality in South Africa". E-mail: [Gabriel@demog.berkeley.edu](mailto:Gabriel@demog.berkeley.edu) and E-mail: [bozler@worldbank.org](mailto:bozler@worldbank.org). Web. [http://www.worldbank.org/wbi/B-SPAN/docs/crime\\_inequality\\_paper.pdf](http://www.worldbank.org/wbi/B-SPAN/docs/crime_inequality_paper.pdf).
- ۷۹- Donnermeyer, Joseph F. 2007. "Rural Crime: Roots and Restoratin". International Journal of Rural Crime, 1:2-20.
- ۸۰- Durkheim, E. 1951," Suicide", Translanted by J. A. Spaulding and G. simpon, New York: Free Press.
- ۸۱- Fajnzylber. Pablo, Lederman. Denial and Loayza. Norman (2002): "What Causes Violent Crime?" European Economic Review, 2002, Vol. 46.
- ۸۲- Fajnzylber. Pablo, Lederman. Denial and Loayza. Norman (February 1999): " The Cause of Crime And Violence: A Guide for empirical Ressarchers". Web. <http://wbln0018.worldbank.org/LAC/lacinfoclient.nsf>.
- ۸۳- Fougere. Denis, Pouget. Julien (March 2003): "Crime and Unemployment in France". E-mail: [fougere@ensae.fr](mailto:fougere@ensae.fr) and [kramarz@ensae.fr](mailto:kramarz@ensae.fr)

- and Pouget@ ensae.fr. Web. <http://pythic.cepremap.ens.fr/piketty/papers/fougereetal2003.pdf>.
- ۸۴- Galea, Sandro., Karpti, Adem., Kennedy, Bruce., 2002. "Social Capital And Violence in the United States, 1974-1993". Social Science & Medicine, Vol. 55, Issue 8.
- ۸۵- Groff, R. (2008), Revitalizing Causality: Realism about Causality in Philosophy and social sciences, First Edition, Routledge.
- ۸۶- Hudson, Barbara a. (1997): "Social Control" In Maguire, Mike, Rod Morgan & Robert Reiner (ed. S). The Oxford handbook of Criminology. (2d. ed). New York: Oxford University Press.
- ۸۷- Inglehart, Ronald, (1977), "Modernization and Postmodernization", Princeton University.
- ۸۸- Kelly. Morgan (2000): "Inequality and Crime". The Review of Economic and Statistic, 2000, Vol, 82, No 4.
- ۸۹- Kposowa. Augusting j, Breault. Kevin D. & Harrison. Beatrice M, (1995): " Reassessing The Structures Covariates of Violent and Property Crimes in the USA". A County Level British Journal of Sociology, 1995, Vol. 46, No 1.
- ۹۰- Lederman, Daniel., Loayza, Norman and Maria, Menendez Ana., 1999. "Violent Crime: Does Social Capital Matter": 1-43, <http://www.rose-net.com>.
- ۹۱- Morkowitz, Fred E. Bellair, Paul E. Liska, Allen E. and Liu, Janhong, 2001. "Extending Social Disorganization Theory: Modeling the Relationships Between Cohesion, Disorder, and Fear". Criminology, Volume 39. N . 2.
- ۹۲- Moser. Christine, Fafchamps. Marcel (2002): "Crime, Isolation, and Law Enforcement". [www.wider.oun.edu/ conference/conference-2002-4/conference-2002-4-papers](http://www.wider.oun.edu/conference/conference-2002-4/conference-2002-4-papers).
- ۹۳- Sampson, Robert J. & Groves, W. Byron. 1989. "Community Structure and Crime: Testing Social, Disorganization Theory". American Journal of sociology.
- ۹۴- Savage, Johan. & kanazawa, Satoshi. 2002. "Social Capital, Crime, and Human Nature". Journal of Contemporary Criminal Justice, Vol. 18, No.2.
- ۹۵- Siegel, Larry J. (1998): Criminology.(6 th. Ed) U.S.A: waolsorth.

- ۹۶- Siegel, Larry J., 2001, "Criminology: theories, patterns and typologies".  
Wadsworth, a division of Thomson Learning, Inc. web:  
<http://www.thomsonrights.com>.
- ۹۷- Weisheit, Ralph A., and Joseph F. Donnermeyer: 2000. "Change And Continuity in Crime in Rural America". Criminal Justice 2000 vol. 1: The Nature of Crime
- ۹۸- Wrightsman, L.S., M.T. Nietzel & W.H. Fortune (1998): psychology and the Legal system. U.S.A: Brooks/Cole Publishing Company.
- ۹۹- Bhaskar, R. (1989): The Possibility of Naturalism: A Philosophical Critique of the Contemporary Human Science, Third edition, London: Verso.
- ۱۰۰- Ehrlich, Isaac & Becker, George J. (1972): "On the Issue of Causality in the Economic Model of Crime and Law Enforcement: Some Theoretical Considerations and Experimental Evidence". American Economic Review, 1972, vol. 62, No. 2
- ۱۰۱- Niiniluoto, I. (2002): "Critical Scientific Realism", Oxford: Oxford University Press.
- ۱۰۲- Saegert, S., Winkel, Gary and Swartz, Charles, 2002. "Social Capital and Crime in New York, Low-Income Housing". Housing Policy Debate, Volume 13, Issue 1.